



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



پوشش و آرایش

از دیدگاه پیامبر اعظم

مریم معین الاسلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم (ص)

نویسنده:

مریم معین الاسلام

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

:This page contains the following errors

.....'' error on line 31 at column 1905: Unexpected

.Below is a rendering of the page up to the first error

This document was created as the result of an XSL transformation. The line and column numbers given are from the transformed result.

فهرست

۵.....:This page contains the following errors

۵..... Below is a rendering of the page up to the first error

۵..... فهرست

۶..... پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم(ص)

۶..... مشخصات کتاب

۶..... پژوهش

پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم(ص)

مشخصات کتاب

سرشناسه: معین‌الاسلام مریم ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور: پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله/مریم معین‌الاسلام؛ تهیه‌کننده مرکز پژوهش‌های صدا و سیما. مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۸۸ص. فروست: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ۱۲۱۶. با پیامبر؛ ۲۵. شابک: ۹۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۸-۴۵۱-۰۸۸-۳. وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۵] - ۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ه. ق. -- نظریه درباره حجاب موضوع: حجاب موضوع: زنان در اسلام موضوع: زنان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی رده بندی کنگره: BP۲۴/۹ /ح ۳ م ۶ ۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۴۵۴۳۹

پژوهش

پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم(ص)» با تبیین مفاهیم اساسی، دعوت به پوشش را از مأموریت‌های الهی پیامبر برشمرده و به شیوه رفتار رسول اکرم(ص) برای انجام این مأموریت اشاره کرده است. همچنین پس از بررسی پوشش زنان پیش از دوران پیامبر اعظم(ص)، از دلایل تأکید پیامبر اعظم(ص) بر پوشش اسلامی زنان سخن به میان می‌آید. آشنایی با مفهوم واژه «جلباب» برای شناخت مصداق پوشش برتر از منظر رسول اعظم(ص)، گفتار دیگری از این پژوهش است. حدود پوشش، رنگ پوشش و پوشش‌هایی که از آن نهی شده و آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم(ص) و در نهایت، تقابل فکری مدرنیته با طرح پوشش و آرایش اسلامی و رویارویی استعمارگران با طرح نبوی نیز بررسی شده است. در فصل آخر، به رسالت فرهنگ‌سازی رسانه‌ها در زمینه پوشش برتر، توجه و با بیان آسیب‌شناسی وضع موجود، راه‌کارهایی برای نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش و آرایش معرفی شده است. مجموعه این نوشتار را که با نور مبارک نبوی و با تلاش فراوان پژوهشگر ارجمند، سرکار خانم مریم معین‌الاسلام به بار نهشته است، اصحاب رسانه پیش تا به یاری آنان، فرهنگ نبوی بیش از پیش در جامعه اسلامی نهادینه شود. و من الله التوفیق اداره کل پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

انسان سرگردان امروز در برزخی خودساخته گرفتار شده است. وجودش در کشاکش فطرت درونی که خواهان زیبایی است و محیط بیرون که همواره تحریک‌کننده امیال نفسانی است، در نبرد است. زن به‌طور طبیعی جاذبه‌های بیشتری دارد و میل به عفاف به‌طور فطری بیشتر به او عطا شده، ولی جهان سرمایه‌داری، خواهان ابزاری کردن اوست و می‌خواهد تحرک انسانی او را تا سرحد تحریک جنسی تنزل دهد. از این رو، اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در خدمت این خواست شیطانی در می‌آورد و شبکه‌های تلویزیونی پورنو در پی ایجاد جریان ناسالم فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند تا زن را بازپچه سودسالاری کنند. این بازار مکاره با تمام ستم‌ها و پلیدی‌ها به سمت زن حرکت می‌کند و جسم او را مثل هزاران جنس دیگر وارد این معرکه می‌سازد؛ تجارتنی که هر روز بر شمار قربانیانش افزوده می‌شود. در این میان، مفاهیم ارزشمند و گران‌سنگی چون حجاب و عفاف مانند حقایق دیگر وارونه

می‌شوند و با القای تعبیرهای ناخوشایند از این دو واژه، آرام آرام آن را به دست فراموشی می‌سپارند و برای نابودی حجاب و عفاف و از بین بردن این حقایق مسلم در وجود انسان برنامه‌ریزی می‌کنند. سردمداران نظام سرمایه‌داری برای رسیدن به هدف‌های سودجویانه خود، از عنصری مظلوم به نام زن، به صورت ابزاری بهره می‌برند و مسیر سکس و فمینیسم را پیش چشم زنان قرار می‌دهند. مهم‌ترین ارمغان این جنبش سودجویانه، نابودی عفاف و حجاب است. آنها برای رسیدن به اهداف خود، مسائل جنسی را زود هنگام به کودکان می‌آموزند. به‌طور کلی، آزادی‌های بدون مرز و خارج از چارچوب‌های انسانی، پی‌آمدی جز از بین رفتن امنیت در جامعه، افزایش شمار تبه‌کاران و کارهای تلافی‌جویانه و در نهایت، جنگ عمومی علیه زنان ندارد و قربانی اصلی آن نیز زنان هستند. بشر امروز پس از تجربه ناکامی‌های عمل به نسخه‌های بشر آلوده به گناه، بیش از گذشته، به ضرورت توجه به نسخه‌های حکیمانه خالق انسان که پیامبر اعظم(ص) به بشر ابلاغ کرده، پی برده است و رویکرد او به مبانی دینی و ارزش‌های الهی، آن را تأیید می‌کند. پرداختن به حجاب و ضرورت الگوگیری از فرهنگ ناب نبوی، از مهم‌ترین ضرورت‌های فکری و فرهنگی در عصر حاضر است؛ زیرا حجاب از مهم‌ترین نمادهای دینداری و پای‌بندی به ارزش‌های الهی در جامعه دینی ما به شمار می‌آید. پوشش و لباس انسان، مانند پرچم است؛ پرچمی که انسان بر در خانه خویش نصب و به وسیله آن اعلام می‌کند از کدام فرهنگ پیروی می‌کند. هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می‌شود، چنان‌که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری نیز در اولین مرحله، در پوشش مردم آشکار می‌گردد. از این رو، تلاش دشمن صرف استحاله فرهنگ دینی زنان شده و ملاک ارزیابی موفقیت در برنامه‌های استراتژیک دشمن، میزان تصرف در پوشش مذهبی زنان است. دشمن با بهره‌گیری از بی‌حجابی و بدحجابی می‌خواهد اسلام، قرآن، شخصیت و عظمت مسلمانان را در هم بکوبد و آنها را غارت کند. از این رو با تغییر تاکتیک و روش، از جبهه نظامی به جبهه فرهنگی روی می‌آورد و برای استحاله و نفوذ فرهنگی همه‌جانبه، به زیرساخت‌ها و مبانی فکری جامعه حمله می‌کند و با استفاده ابزاری از زنان، حجاب را به عنوان مهم‌ترین نماد دینی، هدف قرار می‌دهد. حجاب، یکی از مهم‌ترین نمادهای فرهنگ نبوی و مترقی‌ترین و متعالی‌ترین طرح برای حضور اجتماعی زنان و تنها نسخه شفاف‌بخش برای زن امروز است که با توجه به اهمیت آن و تلاش دشمن برای تضعیفش، صاحبان اندیشه باید بیش از گذشته، این فرهنگ را به انسان تشنه امروز عرضه کنند.

فصل اول: کلیات

مفهوم‌شناسی پوشش

حجاب به معنای پوشش و آنچه به وسیله آن خود را می‌پوشانند و نیز حایل بین دو چیز است. جمع حجاب به این معنا «حجب» است. ۱. در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای پرده، نقاب و چادری است که زنان، چهره و سر تا پای خود را با آن می‌پوشانند. ۲. در برخی آیات و روایات، واژه حجاب به معنای لغوی آن به کار رفته است. از جمله: ۱. «وَيَبْنِيهِمَا حِجَابٌ» و میان آن دو (گروه) حایلی است». (اعراف: ۴۶) ۲. «وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم». (اسراء: ۴۵) شرع مقدس اسلام، حجاب را این‌گونه معنا می‌کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست‌ها تا میچ». ۳. ابن منظور نیز می‌نویسد: الحجابُ: الستر... و اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین حجاب... حجاب به معنای پوشانیدن... (و نیز) اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی بیندازد، حجاب است. و نیز می‌گوید: هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود، او را حجاب کرده است؛

چنان که در باب میراث، اخوه (برادران) حاجب مادر شده، موجب می‌شوند سهم مادر از ثلث به سدس تقلیل یابد. ۴. فیروزآبادی نیز در سخنی مشابه می‌نویسد: «حَجَبُهُ حُجْبًا وَ حِجَابًا: أَسْتَرَهُ... الْحِجَابَةُ وَ الْحِجَابُ: مَا احْتَجَبَ بِهِ.» ۵. حاصل گفتار این دو زبان‌شناس آن است که این واژه گاهی در مفهوم مصدری و در قالب اسم به معنای (پوشانیدن) به کار می‌رود. گاهی نیز در قالب اسم ذات و به معنای هر چیزی که میان دو شیء جدایی انداخته است و مانع از رسیدن آن دو به یکدیگر شود، چنان که خداوند در قرآن مجید درباره بهشتیان و دوزخیان می‌فرماید: «و بَيْنَهُمَا حِجَابٌ.» (اعراف: ۴۶) استاد مطهری (ره) درباره حجاب چنین نوشته است: کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اهل لغت هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت می‌گیرد. ۶. با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد معادل دقیق اصطلاح پوشش در زبان عرب، واژه «ساتر» است. بیشتر فقیهان نیز از این واژه استفاده کرده‌اند. ۷. در این نوشتار، مراد از حجاب، پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جوبی اسلام این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و تبرج نپردازد. «حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.» ۸. آیت الله محمد مهدی شمس‌الدین بر این باور است: لفظ حجاب برای بیان پوشش زن، نوعی مسامحه در تعبیر است که در بیان حکم شرع دیده می‌شود؛ زیرا واژه حجاب در شرع اسلامی، حکم خاصی است که تنها در مورد زنان پیامبر اکرم(ص) وجود دارد و دیگر زنان مسلمان را دربر نمی‌گیرد. ۹. این حکم از سوره احزاب، ۱۰ به‌طور خاص، پیوند مسلمانان با زن‌های پیامبر را بیان می‌کند. بر اساس آیه یاد شده، ورود مردان مسلمان، به خانه پیامبر بدون اجازه او ممنوع است و تنها هنگامی که پیامبر برای غذا خوردن به آنان اجازه می‌دهد، می‌توانند به خانه پیامبر بروند. همچنین به مردان مسلمان امر می‌کند در صورت لزوم، با زنان پیامبر از پشت پوششی مانند در، دیوار یا پرده سخن بگویند. این احکام در مورد دیگر زنان مسلمان صدق نمی‌کند؛ چون تماس مستقیم زنان دیگر با مردان نامحرم و مردان نامحرم با زنان، در ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی مجاز است و زنان می‌توانند مستقیم با مردان نامحرم گفت‌وگو کنند. البته آنچه اصطلاحاً درباره زنان مسلمان گفته می‌شود، عبارت است از پوشاندن بدن در مقابل جنس مخالف که بالغ یا ممیز است. البته گروهی از فقیهان، پوشاندن دست و صورت و برخی، پا را استثنا کرده‌اند. ۱۱. با توجه به آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که حجاب به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. این واژه تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل، به مفهوم پنهان کردن زن از مرد بیگانه است. از این رو، هر پوششی، حجاب نیست. حجاب، پوششی است که پشت پرده واقع شدن تحقق یابد که این مسئله فقط درباره همسران رسول خدا(ص) صادق است، چنان که خداوند به مردان دستور داد: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» چون از زنان پیامبر، متاعی خواستید، از پس پرده بخواهید.» (احزاب: ۵۳) درباره زنان آن حضرت، بیشتر مصالح سیاسی و اجتماعی در نظر بوده است. برداشت غلطی که برخی از این آیه دارند، این است که این دستور را حمل بر پرده‌نشینی زن می‌کنند و می‌گویند اسلام خواسته است زنان در خانه، زندانی و پرده‌نشین باشند. بنا بر آنچه گذشت، واژه‌ای که مفهوم پوشش را می‌رساند، ستر و ساتر است. بنابراین، پوشش اسلامی، نه تنها به معنای خانه‌نشینی زنان نیست، بلکه کیفیت حضور زن در عرصه‌های عمومی و اجتماعی را تبیین می‌کند. ۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، ۱۴۱۰ هـ. ق، ص ۱. ۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴، ص ۷۷۹. ۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۳۸، ح ۳۶. ۴. لسان العرب، ص ۱. ۵. محمدبن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹. ۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار مسئله

حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۶، چ ۴۸، ص ۶۳. ۷. علی اکبر کلانتری، فقه و پوشش بانوان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۱۵۰. ۸. حسین مهدی‌زاده، حجاب شناسی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۰. ۹. همان، ص ۲۱. ۱۰. «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی إلا أن یؤذن لکم الی طعام...» (احزاب: ۵۳). ۱۱. محمد مهدی شمس الدین، حدود پوشش و نگاه در اسلام، ترجمه: محقق عابدی، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۵۳.

مأموریت الهی پیامبر اعظم(ص) در زمینه پوشش

نیاز فطری زنان، به خودآرایی تبرج و از یک سو و جذابیت زن برای مردان از سوی دیگر، سبب شده است که رسول اکرم(ص) به عنوان پیام آور دین، برای حضور مؤثر، پویا و فعال زنان در جامعه، پیشنهاد حضور زن در عرصه‌های عمومی را با رعایت حجاب مطرح کند. دین مبین اسلام از سویی مایل است که زن در جامعه، همانند مردان حضور فعال داشته باشد و از سوی دیگر، در این مسیر، ذره‌ای از ارزش‌های انسانی وی کاسته نشود. تدبیر دین برای رسیدن به چنین مقصود والایی، جز این نیست که در جامعه میان زن و مرد حریمی قائل شود تا با وجود چنین حریمی، محیط‌های حضور زن و مرد تنها میدان فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی آنان گردد و از هرگونه بهره‌برداری منفی از جنس زن جلوگیری شود. کیفیت حضور اجتماعی فاطمه زهرا(س)، نشانه امکان‌پذیر بودن این تدبیر است. حضرت زهرا(س) در نهایت عفاف، تقوا، عزت، وقار و حفظ حریم، به ایفای تمامی این نقش‌ها می‌پرداخت. ایشان، خود را با عذر فساد و زمینه فحشا در جامعه، به خانه‌نشینی محدود و محکوم نکرد و به بهانه شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به حرمت زن و حریم خانواده آسیب نرساند. اسلام با ارائه طرح آرمانی حجاب، بهترین راه کار را برای حضور مفید زن پیشنهاد می‌کند که در آن به صلاح فردی و اجتماعی زن توجه شده است. پیامبر اعظم(ص) فرمود: یا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّحِ الْمَرْضَى فِيمَا يَعْلَمُ الطَّيِّبُ وَ يُدَاوِي بِهِ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ الْمَرِيضُ وَ يَقْتَرِحُهُ إِلَّا فَسَلِّمُوا لِلَّهِ أَمْرَهُ وَ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ. ۱۰ ای بندگان خدا، شما همانند انسان‌های بیمار و پروردگار جهان همانند طیب است. پس خیر و صلاح انسان‌های بیمار در گوش دادن به علم و تدبیر طیب است، نه پیروی از هواهای نفسانی. متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید. ۲. تسلیم شدن در برابر دستورهای خداوند، پدیدآورنده حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است: «و لباسُ التقوی ذلک خیر» (اعراف: ۷). بدون تردید، حجاب یکی از واجبات الهی و تأمین‌کننده تقواست. تقوا در فرهنگ اسلامی، حجاب و مانعی در برابر گناه است و رسیدن به تقوا، هدف خلقت انسان و عامل رشد و کمال است. زن با رعایت حجاب، به تقوا می‌رسد و در مسیر کمال قرار می‌گیرد؛ زیرا حجاب، لباس پرورش رسالت انسانی در جامعه و لباس عروج معنوی است. حجاب سبب توسعه فرهنگی می‌شود و لباس بلوغ فکری زن مسلمان است و زن را به عنوان عنصری پویا و کارآمد در جامعه مطرح می‌سازد که هم رفتار خود را تنظیم می‌کند و هم رفتار جامعه را سامان می‌بخشد. به‌طور کلی، حجاب، طرح الهی برای حفاظت از نظام ارزش‌ها و پاسداری از ملکات انسانی است. حجاب به زن، غرور انسانی می‌دهد؛ زیرا تعامل با او در جامعه، بر اساس جنسیت او نیست، بلکه بر اساس انسانیت وی است. حجاب، لباس استقلال و رهایی زن از دام بهره‌جویی مردان است. در واقع، حجاب، فرمان الهی است که برای مصلحت و سودمندی زنان صادر شده است. اهمیت و جایگاه رفیع پوشش و نقش بی‌بدیل آن در حفظ سلامت جامعه سبب شد که در سال‌های پنجم و ششم هجرت که سال‌های تثبیت حکومت اسلامی است، به‌طور ویژه به آن پرداخته شود. در آن دوره، زمینه لازم برای پرداختن به مسئله پوشش زنان و سفارش‌های دقیق و روشن درباره لباس، به عنوان بخشی از فرآیند اصلاحات اجتماعی و فردی در جامعه نوپای اسلامی، فراهم شد. آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب نازل گردید و خداوند، پیامبر اکرم(ص) را مأمور کرد که این دستور الهی را نخست به همسران و دختران خود، سپس به زنان مؤمن اعلام کند. پیش از اینکه به بررسی آیه‌های حجاب بپردازیم، بیان یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. توجه به ترتیب نزول این آیات

نشان می‌دهد که حکم حجاب، یک باره اعلام نشده، بلکه به تدریج و با گذشت زمان و آماده شدن زمینه لازم برای آن، نازل شده است. اولین آیه‌ای که درباره پوشش نازل شد، آیه ۵۹ سوره احزاب بود که پیامبر را مأمور کرد که به همسران، دختران و زنان مؤمن بگوید: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی أن یرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً؛ ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو؛ (پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند) به احتیاط (نزدیک‌تر است، و خدا آمرزنده مهربان است)». برای درک بهتر مفهوم آیه، باید به شأن نزول آن توجه کرد. در تفسیر علی بن ابراهیم، درباره شأن نزول آیه چنین آمده است: زنان برای گزاردن نماز پشت سر رسول خدا(ص)، از خانه خارج می‌شدند و شب هنگام و صبح که برای گزاردن نماز مغرب و عشا به سوی مسجد روانه می‌شدند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و به آزارشان می‌پرداختند. ۳ زنان به محضر رسول خدا(ص) رسیدند و از وضعیت موجود شکایت کردند. در این زمان بود که این آیه نازل شد. عایشه در توصیف شرایط، پس از نزول این آیه می‌گوید: «وقتی این آیه نازل شد، ما زنان احساس بزرگی و شخصیت می‌کردیم و بسیار خوش حال بودیم». ۴ پوشیدن جلاب (پوشش بلند)، تنها یک تکلیف نبود، بلکه نشانه‌ای برای شناخت زنان اصیل و آزاده‌ای بود که می‌خواهند در عرصه‌های عمومی حاضر شوند، بدون آنکه فرصت طلبان حرمت‌شکنی کنند. از این رو، حجاب برای زنان مدینه، امتیاز و حقی به‌شمار می‌آمد و حق بودن و امتیاز آن، بر تکلیف بودن آن غلبه داشت. ۱. میرزا النوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۷. ۲. محمدتقی فلسفی، به نقل از: کتاب جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳. ۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، نجف اشرف، ص ۱۹۶. ۴. احمد عابدینی، مقاله «سیری در آیات حجاب»، نشریه فقه، ش ۲۲.

حدود پوشش از منظر قرآن

در آیات پیشین، خداوند درصدد بیان حدود پوشش زنان نبود و از زنان خواسته شد که جلاب بپوشند تا بدین وسیله این پوشش، معرف شخصیت اصیل و آزاده آنان باشد، ولی در آیه ۳۱ سوره نور، تکالیف و دستورهای مشخص برای تبیین بهتر کیفیت پوشش زنان آمده است: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُذِیْنَ زینتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیْضُرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَیْ جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُذِیْنَ زینتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِیْنَ غَیْرِ أُولِی الْأَرْبَابِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الذِّیْنَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیُعْلَمَ مَا یُخْفِیْنَ مِنْ زینتَهُنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تَقْلِحُونَ. و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش (فرو) اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند، و پاهای خود را) به گونه‌ای به زمین (نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی) از مرد و زن (به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید. (نور: ۳۱) این آیه حدود حجاب را بیان می‌کند و از مهم‌ترین آیات در این زمینه است. در این آیه، دستورهای بسیاری برای مردان و زنان، در جهت حفظ حریم عفاف و حجاب بیان شده است. در ابتدا به مسئله نگاه زنان اشاره و به وسیله خطاب نورانی «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» به زنان دستور فروکاستن نگاه داده شده است. در ادامه آیه، دستورهایی مربوط به حدود حجاب بیان شده است: ۱. دستور نخست این است: «وَلَا یُذِیْنَ زینتَهُنَّ...». این حکم ویژه‌ای برای خانم‌هاست. در این فرمان، از آنان خواسته می‌شود زینت‌های خود را آشکار ن سازند. ۲. دستور بعدی چنین است: «وَلَیْضُرِبْنَ

بُخْمَرِهِنَّ عَلَى جُبُوبِهِنَّ وَ...» پیداست که پیش از نازل شدن این آیه، روسری‌ها را زیر گلو گره نمی‌زدند و گریبان و سینه‌های آنان پیدا بوده است. ۳- آشکار شدن زینت نزد برخی افراد مانعی ندارد که عبارتند از: شوهران، پسران و پسران شوهر و برادران، پسران برادران، پسران خواهران، زنان، کنیزان، خدمت‌کاران مردانی که (از زن) بی‌نیازند و کودکانی که بر عورت زنان وقوف حاصل نکرده‌اند. ۴- در آخر هم به زنان تذکر داده می‌شود پاهای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند تا زینت‌های پنهان‌شان آشکار شود. این آیه، حدود و کیفیت پوشش را مشخص کرده و به پیامبر مأموریت داده است تکالیف ویژه زنان درباره روش رعایت حجاب را به آنان بگوید که عبارتند از: ۱- به زنان مسلمان بگو از نگاه‌های آلوده و حرام چشم فرو بندند. ۲- دامن خود را نگه دارند (این عبارت کنایه از رعایت عفاف و حیاست). ۳- به زنان بگو که زینت‌های خود را جز آن مقدار که آشکار است، نمایان نکنند. ۴- به زنان مسلمان فرمان می‌دهد که «خمارهای» خود را بر گریبان و سینه افکنند و آن را بپوشانند. ۵- به گونه‌ای راه نروند که زینت پنهان‌شان آشکار شود. گفتنی است خداوند پیش از آیه ۳۱ نور، دستورهایی درباره حفظ حریم عفاف و پاکی در جامعه، به مردان می‌دهد و رسالت آنها را در این راستا تبیین می‌کند: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. (نور: ۳۰) به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خداوند به آنچه می‌کند، آگاه است. در شأن نزول این آیه، از قول امام باقر(ع) آمده است: «در مدینه، جوانی از انصار با زنی روبه‌رو شد. زنان در آن زمان مقنعه‌ها را پشت گوش می‌انداختند. جوان نگاهی به آن زن انداخت و رفت و او همچنان به راه خود ادامه می‌داد. هنگامی که زن از برابر وی رد شد، باز به زن نگاه می‌کرد و راه خود را ادامه می‌داد تا داخل کوچه‌ای شد و همچنان که به پشت سر نگاه می‌کرد، چیز تیزی که در دیوار بود، صورت او را دید. هنگامی که زن از جلو چشمش ناپدید شد، به خود آمد. دید خون بر سر و صورتش جاری است. پیش خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول خدا(ص) می‌روم و او را از واقعه آگاه می‌کنم. هنگامی که نزد پیامبر آمد و حضرت، او را به این حالت دید، فرمود: چه حالتی است؟ جوان داستان را برای پیامبر باز گفت. آن‌گاه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و این آیه شریفه را خواند.» ۱- ۱. عبدبن علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، قم، المطبعة العلمیه، ص ۵۸۸؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ص ۵۲۱، ح ۵. تدبیرهای عملی پیامبر برای انجام مأموریت الهی در پی نزول آیه‌های حجاب و دستور مؤکد خداوند مبنی بر ضرورت التزام زنان و مردان به رعایت حدود و حریم حجاب و عفاف، پیام آور دین، حضرت رسول اکرم(ص)، با حساسیت خاص، این قانون روح‌بخش الهی را به مردم ابلاغ کرد و با تدبیرهای ویژه، برای تحقق عملی و نیز نهادینه کردن آن کوشید که به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- بیعت با زنان در التزام به حجاب پیامبر در بیعت با زنان بر اختلاط نداشتن آنان با مردان، تأکید می‌کرد و می‌فرمود: «عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعِدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ؛ از زنان پیمان گرفته شد که هنگام نشستن زانویهای خود را در بغل نگیرند و در خلوت با مردان نشینند.» ۱- ۱. کافی، ج ۵، ص ۵۱۹. ۲- بیان پی‌آمدهای رعایت نکردن حجاب حضرت رسول اکرم(ص) برای تأکید بر اهمیت مسئله پوشش، انزجار خود را از افرادی که نسبت به پوشش کامل دینی پای‌بند نیستند، چنین بیان می‌کند: صَنِيفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ، مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ... رُؤُوسَهُنَّ كَأَسِنَّةِ الْبَخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا. ۱- دو گروهند که اهل آتش هستند و نمی‌خواهم که آنها را ببینم: گروهی که تازیانه در دست دارند و مردم را با آنها می‌زنند (ستم‌کاران) و دیگر، زن‌هایی که پوشیده‌اند، ولی برهنه‌اند (لباس نازک بر تن دارند)، به شهوت‌ها متمایل هستند و مردان را به سوی خود جذب می‌کنند و موهای سرشان همچون کوهان شتر برآمدگی دارد. اینها وارد بهشت نمی‌شوند و با اینکه بوی بهشت از مسافت‌های دور به مشام می‌رسد، بوی آن را استشمام نمی‌کنند. رسول اکرم(ص) در جای دیگری فرمود: زن یک موجود بی‌حفاظ و آسیب‌پذیر است. هرگاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه می‌کند. ۲- زن باید برای در امان ماندن از خطر شیطان و شیطان‌صفتان، خود را در حریم امن حجاب قرار دهد. حضرت برای بیان اهمیت رعایت پوشش اسلامی

و در راستای انداز زنان، به پی آمدهای خطرناک پای‌بند نبودن به حجاب، اشاره و مشاهده‌های خود را در شب معراج برای آنان بیان کرد. حضرت علی(ع) شنیده‌های خود را از پیامبر در این باره چنین نقل می‌کند: من و فاطمه بر رسول خدا(ص) وارد شدیم. ایشان را در حالی یافتیم که سخت گریه می‌کرد. من عرض کردم پدر و مادرم فدایت باد یا رسول‌الله(ص)، چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند (یعنی شب معراج)، زانی از امتم را در عذابی شدید دیدم. آن وضع برای من سخت گران آمد و گریه‌ام از جهت عذاب سخت آنان است که به چشم خود دیدم. زنی را دیدم که به موهایش آویخته شده، مغز سرش می‌جوشید و زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌خورد و زنی را دیدم که گوشت بدن او از جلو و عقب با قیچی‌های آتشین بریده می‌شد. سپس فاطمه(س) عرض کرد: ای حبیب من و ای نور دیدگانم! به من بگو که اینان چه کرده بودند و رفتارشان چه بود که به این عقوبت گرفتار شدند؟ حضرت فرمود: ای دختر عزیزم! آن زنی که به مویش آویخته شده بود، موی خود را از نامحرم نمی‌پوشاند... آن زنی که گوشت بدن خود را می‌خورد، برای نامحرم زینت می‌کرد... و آن زنی که گوشت بدنش با قیچی‌های آتشین بریده می‌شد، خود را برای مردان (نامحرم) نمایش می‌داد که به او رغبت کنند. ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۵۹. ۲. حجاب از دیدگاه اسلام و ادیان آسمانی، ص ۲۵. ۳. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۰۹.

فصل دوم: کیفیت پوشش زنان پیش از اسلام

پوشش زنان در ادیان پیش از اسلام

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می‌آید که از آغاز آفرینش به آن احتیاج داشته و کوشیده است خود را بپوشاند. در عهد سلیمان(ع)، زنان افزون بر پوشش بدن، روبند هم به صورت می‌انداختند و این سنت در زمان ابراهیم(ع) نیز رایج بود. ۱. در جامعه زرتشتی، لزوم پوشش زن، در مراسم عبادی و حرمت نگاه به زنان و همچنین طرح حدود کیفیت حجاب، از وجود پوشش زنان زرتشتی حکایت دارد. در زمان زرتشت، پوشش صورت معمول نبود، ولی پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر میان همگان رایج بود. زن با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد و همراه مردان کار می‌کرد، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بود. ۲. در کتاب مقدس یهودیان، موارد بسیاری یافت می‌شود که به‌طور صریح یا ضمنی، بد حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن تأکید شده است. حتی در برخی از آنها، لفظ چادر به کار رفته که نشان‌دهنده نوع پوشش زنان آن عصر است. سیره عملی یهودیان مبنی بر بهره‌مندی از چادر و بُرقع و روبند (که بارها در تورات آمده است)، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایست شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده، منع گفت‌وگوی علنی مردان و زنان حتی میان زن و شوهر، جلوگیری از رفتن به مدرسه و مسجد و ایراد خطابه زنان از پشت پرده، نه تنها نشان‌دهنده وجوب حجاب در شریعت یهود، بلکه بیانگر اجرای سرسختانه و شدت عمل قوانین و سیره یهودیان درباره کیفیت حجاب است. ۳. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود را درباره حجاب زنان تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، با تأکید بیشتری، حجاب را مطرح کرد. در مسیحیت، به دلیل تقدس تجرد و برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جوانان، رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش، به شکل شدیدتری وارد شده است. در کتاب مقدس مسیحیان، به‌طور صریح، آیاتی درباره لزوم عفت و خانه‌نشینی، آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش با جواهرات و بافتن مو و همچنین وجوب پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی و داشتن وقار و دوری از نگاه به نامحرم آمده که بیانگر حجاب واجب دینی است. دستوره‌های دینی پاپ‌ها و کاردینال‌ها مبنی بر رعایت کامل حجاب یا محصور بودن در خانه، وجوب پوشش صورت و پرهیز

از هرگونه جواهرات و تزیین موی سر یا رنگ کردن آن و تغییر صورت و وجوب دوری گزیدن از هر چیز تحریک آمیز و دوستان شهوت پرست، سیمای احکام فقهی کلیسا را ترسیم می‌کند و شدت آن را نسبت به شریعت یهود و زرتشت نشان می‌دهد. ۱۴. مهدی مهریزی، حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، صص ۴۰ و ۴۱. ۲. علی محمدی آشنانی، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۷۸، صص ۹۵ و ۹۶. ۳. همان، صص ۱۰۳ و ۱۱۵. ۴. حجاب در ادیان الهی، صص ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۹.

پوشش زنان در اقوام و ملل دیگر

بسیاری از تاریخ‌نگاران و اندیشوران، به وجود پوشش در میان زنان در ملت‌های گوناگون اشاره می‌کنند. فرید وجدی در دایرة المعارف قرن بیستم می‌نویسد: حجاب زنان سابقه‌ای طولانی دارد. سخن درباره حجاب در میان سخنان قدیمی‌ترین نویسندگان یونانی به چشم می‌خورد. زنان سر را می‌پوشاندند، ولی صورتشان باز بوده است. وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بود صورتشان را نیز بپوشانند. ۱. حجاب یا چادر، بخشی از لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت از آن استفاده می‌کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه‌های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می‌دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیشتر در مراسم و مجالس دینی رایج بود و عده‌ای می‌پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می‌نهد، برای پوشانیدن جمال خود از چشم حسودان است. در اروپای قرون وسطا، چادر جزئی از زینت سر بود. ۲. با مطالعه آثار و تمدن‌های مختلف چنین به نظر می‌رسد که حجاب زنان از عادات قدیمی تمدن‌های بشری بوده است. «زنان یونانی در دوره‌های گذشته صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند». ۳. «بت پرستان هند، چیزی مانند چادر می‌پوشند و آن را روی خود می‌کشند، به گونه‌ای که صورتشان پیدا نیست. این به خاطر مجاورت با مسلمانان نیست؛ چرا که حجاب در هندوستان وجود دارد. آنان با مسلمانان عناد دارند، ولی ملتمز به رعایت حجاب هستند که سبب حجاب آنها حیاست». ۴. مجموعه گزارش‌های تاریخی، به خوبی اثبات می‌کند که در کشورهای گوناگون، نه تنها حجاب زن به طور کامل رعایت می‌شد، بلکه در برخی موارد، از حد تعادل، خارج و سبب خانه‌نشینی زنان می‌گشت. صرف نظر از افراط و تفریط‌هایی که درباره حجاب وجود داشته، رواج آن نزد بیشتر ملل، دلیلی روشن بر گرایش فطری و باطنی انسان‌ها به حجاب است. حضرت آدم و حوا (ع)، آن هنگام که از بهشت اخراج شدند و پوشش خود را از دست دادند (عورتشان آشکار شد)، سریع خود را با برگ درختان پوشاندند که این نمونه آشکاری از فطری بودن مسئله حجاب است: *فَدَلَاهُمَا بِعُرْوِرِ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجِرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقٍ...* (اعراف: ۲۲) آدم و حوا از آن درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست دادند و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشاندند. ۱. فرید وجدی، دایرة المعارف القرن العشرين، ص ۲۳۵. ۲. عبدالحسین سعیدیان، دایرة المعارف، تهران، سازمان چاپ و انتشار محمدعلی علمی، ۱۳۴۹، ج ۷ و ۳، ص ۲۱۶. ۳. حجاب در ادیان الهی، ص ۱۴۵. ۴. غلامحسین اصفهانی حائری، فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب، ترجمه: محمدرضا طهرانی، ص ۵۲۹. پوشش زنان ایران زنان ایرانی هم از این قاعده کلی مستثنا نبودند. زنان در زمان مادها که نخستین ساکنان ایران بودند، حجاب کاملی داشتند که شامل پیراهن بلند چین دار، شلوار تا میچ و چادر و شنلی روی لباس‌ها بود. این حجاب در زمان پارس‌ها (هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان) نیز معمول بود. ویل دورانت درباره ایرانیان چنین نوشته است: پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمند تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشه‌نشینی زمان عادت ماهیانه (که برایشان واجب بود، رفته‌رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی‌شان را فرا گرفت و این امر مبنای پرده‌پوشی در میان مسلمانان به شمار می‌رفت. زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از

خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان صحبت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی و حتی پدر یا برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به چشم نمی‌خورد. ۱. حجاب در ایران باستان بسیار سخت و شدید بود، به گونه‌ای که حتی پدر یا برادر هم نامحرم بودند. به عقیده ویل دورانت، علت اصلی پیدایش حجاب در ایران باستان، مقررات شدیدی بود که بر اساس رسوم و آیین کهن درباره زن (در دوران عادت) اجرا می‌شد و او را در اتاقی زندانی می‌کردند و همه در مدت عادت زنانگی، از او دوری می‌جستند. ۲. کنت گوینو در کتاب سه سال در ایران می‌نویسد: حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلام در میان مسلمانان باقی ماند. او معتقد است که آنچه در ایران ساسانی بوده است، تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی نگه‌داشتن زن بوده است. او مدعی است که خودسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بوده که اگر کسی زن زیبایی در خانه داشت، نمی‌گذاشت کسی از وجودش آگاه شود و حتی الامکان او را پنهان می‌کرد؛ زیرا اگر معلوم می‌شد که چنین خانم زیبایی در خانه‌اش است، دیگر مالک او، احیاناً مالک جان خودش هم نبود. ۱۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مترجمان احمد آرام و پاشایی، ج ۱۲، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۵۵۲. ۲. همان. ۳. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، ص ۲۵.

پوشش زنان در دوره جاهلیت

زنان در دوران جاهلیت، به پوشش کامل مقید نبودند و با مردان هم‌نشین بودند. آنها در مجالس عمومی شرکت می‌کردند و در مکان‌های عمومی رفت‌وآمد داشتند. لباس‌های زنانه تمام بدن را نمی‌پوشاند و مقداری از سر و گردن و گوش و سینه و دست و پای آنان باز بود. زمخشری در این زمینه نوشته است: گریبان جامه زنان گشاد بود، به گونه‌ای که گودی گردن، سینه‌ها و اطراف آن آشکار می‌شد. زنان روسری خود را به پشت سر می‌بستند و از جلو، مکشوف می‌ماندند... برخی زنان، گام بر زمین می‌کوفتند تا از صدای خلخال او دریابند که خلخال دارد. گفته‌اند که گاه نیز برای آنکه معلوم شود دو خلخال دارد، پاهایشان را به هم می‌زدند. ۱. سیوطی نیز گفته است: از سعید بن جبیر نقل شده که خلخال زن دارای زنگوله‌هایی بود که هر گاه مرد غریبی بر او می‌گذشت، پایش را عمدی تکان می‌داد تا او صدای خلخال را بشنود. ۲. غرناطی در این باره می‌نویسد: در آن زمان، لباس‌هایی با گریبان فراخ می‌پوشیدند، به گونه‌ای که سینه‌هایشان پیدا بود و روسری خود را از پشت می‌بستند. از این رو، گوش و گردن و سینه باز می‌ماند... ۳. این گونه پوشش، پس از ظهور اسلام و تا پس از هجرت نیز ادامه داشت تا آنکه آیات حجاب در سوره احزاب و نور نازل شد. روایات وارد شده درباره شرایط نزول آیات حجاب نیز بر این امر دلالت دارد. ۱. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۲، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ هـ ق، ج ۱، صص ۶۳-۶۲. ۲. عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱، ص ۱۸۶. ۳. غرناطی، التسهیل العلوم التنزیل، ص ۱۵۱.

فصل سوم: دلایل تأکید اسلام بر پوشش مناسب زنان

۱. التهاب‌های جنسی

در جامعه‌ای که پیوند میان زن و مرد، بدون ضابطه است و حریمی میان زن و مرد وجود ندارد، نیاز جنسی از حد طبیعی و متعادل خود خارج می‌شود و به شکلی بیمارگونه افزایش می‌یابد و به صورت یک خواست اشباع‌نشده در می‌آید. استاد مطهری در کتاب مسئله حجاب در این باره می‌نویسد: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضاهای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده در می‌آورد. وجود حرم‌سراها،

غزل‌سرای‌های ابتدال‌آمیز بشر، حکایات عاشقانه از عشق‌های جنسی، دلیلی بر سیری‌ناپذیری این غریزه و قدرت شگرف این غریزه دارد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است. هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد. همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود. ۱. مسئله دیگر، حساسیت بیشتر مردان نسبت به محرک‌های جنسی در مقایسه با زنان است. از این رو، پوشش نامناسب زنان و جاذبه ناشی از آن، مردان را تحریک می‌کند. این تحریک‌پذیری، افزون بر ایجاد فساد اخلاقی موجب اختلال روانی ناشی از هیجان‌های جنسی بیمارگونه نیز می‌شود. یکی از تدبیرهای اسلام برای تعدیل و مهار کردن این غریزه، پوشش و کنترل نگاه است. آیه‌های الهی از زنان می‌خواهد که پوشش مناسب داشته باشند و از مردان می‌خواهد نگاهشان را کنترل کنند. ۱. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۴۳۴. ۲. نور: ۳۰؛ احزاب: ۵۹. ۲. میل به تبرج و خودنمایی در زنان یکی دیگر از دلایل تأکید بر حجاب، میل به خودنمایی زنان است. همین میل است که سبب می‌شود زنان به لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده روی آورند. اگر این میل کنترل نشود، فساد آفرین خواهد بود. پوشش، مهم‌ترین عامل تعدیل این میل است. در تفسیر المیزان در تعریف تبرج آمده است: «کلمه تبرج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است. همان‌طور که برج قلعه برای همه هویدا است...» ۱. در تفسیر نمونه، ذیل آیه «لَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب: ۳۳) آمده است: همچون جاهلیت نخستین، در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید... تبرج به معنی آشکار شدن در برابر مردم است... ۲. زنان از نظر روانی، به خودنمایی و ظاهر شدن در برابر مردم تمایل دارند و این میل روانی، آنان را به سمت نشان دادن خود و زینت‌هایشان به دیگران می‌کشاند. اسلام برای کنترل این میل درونی، مسئله پوشش در عرصه‌های عمومی را مطرح برای پاسخ‌گویی مناسب به این میل، زنان را به داشتن زینت و آرایش در عرصه‌های خصوصی تشویق کرده است. طرح حجاب و پوشش در آموزه‌های دینی، هرگز به معنای نادیده انگاشتن نیاز طبیعی و اصیل زنان به خودآرایی نیست. بارها در روایت‌ها دیده‌ایم که بر ضرورت پرداختن زنان به زینت و آراستگی اشاره و تأکید شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «زن به سه چیز نیاز دارد که یکی از آنها آراستگی است.» ۳. پیامبر اکرم(ص) به بعضی از همسرانشان که به آراستگی خود توجه نداشتند، می‌فرمود: «چرا ژولیده هستی و به دلیل سرمه نکشیدن، چشمت سفید شده و چرا خضاب نمی‌کنی و موهای خود را رنگ نمی‌کنی؟» ۴. امام باقر(ع) می‌فرماید: «سزاوار نیست که زن خودش را معطل کند (از برخی زیورآلات استفاده نکند)، هرچند آویختن گردن‌بندی به گردنش باشد.» ۵. در روایات متعدد، خوش‌بو کردن زن، ۶. آراستن ناخن، ۷. توجه به زیبایی چهره ۸ و رنگ موی زن ۹ از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است که مجموعه این روایات، از توجه اسلام به این نیاز زن حکایت دارد. شارع مقدس با وضع حکم شرعی حجاب برای زنان، قصد تعدیل نیاز به خودآرایی و تبرج را دارد. افزون بر آن، در دین، حکم پوشش، به حضور در عرصه عمومی اجتماع مربوط است و به زنان اجازه داده شده است در محافل خصوصی و در مکان‌هایی که نامحرم وجود ندارد، لباس‌های رنگین و از زینت (طلا و نقره) استفاده کنند. حتی به پدران و همسران سفارش شده است وسایل آرایش و آراستگی زنان را تأمین کنند. در سیره امام علی(ع) آمده است که حضرت، همسر و فرزندان خود را با طلا و نقره می‌آراست. ۱۰. همین مسئله در سیره امام سجاد و امام باقر(علیهما) آمده است. ۱۱.

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۵۶، ص ۴۶۲.
۲. نامه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۷. ۳. بحارالانوار ج ۷۸، ص ۳۲۷. ۴. همان، ج ۷۰، ص ۱۲۲. ۵. همان، ج ۱۰۳، ص ۲۶۰ و ۲۸۸. ۶. «ان امیر المؤمنین... لتطیب المرأة المسلمة عن وجهها» (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰). ۷. «قال الرسول الله(ص)... وللنساء اترکن فانه ازین لکن» (محمد بن حسن حرعاملی، وسایل، ج ۲، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ هـ.ق، چ ۷، ص ۱۳۴).
۸. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰. ۹. همان، ج ۷۶، ص ۱۰۲. ۱۰. همان، ج ۴۲، ص ۷۱. ۷. مریم معین الاسلام، زنان و برنامه تربیتی اسلام، قم، انتشارات بیت الاحزان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴. ۱۱.

۲. استفاده بهینه از سرمایه‌های اجتماعی

یکی از سرمایه‌های ارزشمند و گران‌سنگ هر جامعه‌ای، سرمایه‌های انسانی است که باید در حفظ آن کوشید. یکی از عوامل مهم در هدر دادن این سرمایه، گسترش بی‌بندوباری است. اسلام برای اینکه زنان را که نیمی از پیکر اجتماع هستند، در خانه زندانی نکند، مسئله پوشش را برای زنان در عرصه عمومی مطرح کرده است رعایت پوشش سبب می‌شود مردان با آرامش روانی بهتر به تولید علم و سرمایه پردازند و زنان نیز نقش اجتماعی‌شان را به درستی ایفا کنند. رعایت نکردن حجاب، موجب پایین آمدن کارآیی و بهره‌وری می‌شود. آیا دانشجویی که در محیط علمی به جای آنکه در اندیشه دانش‌اندوزی و تمرکز بر مسائل علمی باشد، به هم‌کلاسی جنس مخالفش بیندیشد، می‌تواند در عرصه تولید دانش، موفق باشد؟ بسیاری از کشورهای غربی پس از تجربه طولانی برقراری اختلاط در مراکز آموزشی، به فکر جداسازی مرد و زن افتاده و به موفقیت‌های خوبی نیز دست یافته‌اند. همچنین به تازگی شاهد جداسازی زنان و مردان در وسایل حمل و نقل عمومی هستیم. در حال حاضر، فرهیختگان و دل‌سوزان فرهنگی جهان غرب به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از دلایل رکود علمی و اخلاقی، اختلاط در محیط‌های آموزشی است و به فکر جداسازی آنها افتاده‌اند.

۳. حفظ حرمت انسانی

از نظر روان‌شناسان، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد انسان، میزان ارزشی است که انسان برای خود قائل است. هرچه سطح حرمت خود افزایش یابد و فرد، خودش را بپذیرد، به همان میزان در افزایش ضریب موفقیت فرد اثر دارد. ۲ «حرمت خود»، در شکل‌دهی شخصیت انسان نقش ویژه‌ای دارد. امامان معصوم(علیهم‌السلام) نیز به مسئله حرمت خود، توجه بسیاری داشتند. امام محمدباقر(ع) فرمود: «مَنْ هَانَتْ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ؛ کسی که حرمتی برای خود قائل نیست، از شر او ایمنی نیست». ۳ از فردی که کرامت نفس ندارد و ارزش وجودی برای خود قائل نیست، ممکن است هر کار ناشایستی سر بزند. فردی که با پوشش اسلامی برای خود حریم ایجاد می‌کند، در واقع به همگان می‌گوید که من برای خود حرمت و ارزش والایی قائل هستم و به هیچ کس اجازه تجاوز به این حریم را نمی‌دهم. دقیقاً مثل صاحب باغی که با کشیدن دیوار به دور باغ خود، به همه می‌فهماند که باغش ارزشمند است و هیچ‌کسی اجازه ورود به این زمین را ندارد و این زمین، رها شده و مخروبه نیست که ارزش پاسداری نداشته باشد. در نگاه زن باحجاب، بهترین راه احساس ارزشمندی آن است که گوهر وجودی خود را از دست‌رس سودجویان و فرصت‌طلبان دور نگه دارد. زن باحجاب، با دور نگه داشتن خود از دست دیگران، به خود ارزش و اعتبار می‌بخشد تا آنجا که مرد، خود را نیازمند او می‌داند. عزت، آبرو و احترام به جنس زن و رغبت بسیار مردان به زنان، ناشی از رعایت حکم کرامت‌آفرین حجاب است. برخلاف پرده‌داری و بی‌حجابی که بی‌رغبتی و بی‌میلی را در مردان اروپایی ایجاد کرده است. ۴ بی‌حجابی، زن را به برده جنسی و کالایی قابل معامله بدل می‌کند و شخصیت او را تا حد عروسک تنزل می‌دهد. از این رو، زن برای رسیدن به کمال، باید باحجاب باشد. فایده حجاب، منحصر به زنان نیست، بلکه با حجاب، هم حرمت زنان حفظ می‌شود، هم به این وسیله به همگان گفته می‌شود که زن باحجاب، اهل بی‌بندوباری و روابط آزاد نیست و مردان هرزه به او طمع نمی‌ورزند و وی را آزار نمی‌دهند و مردان پاک‌دامن، گرفتار هوس و فساد نمی‌شوند. ۱. ۲. *Esteem Self*. نرمان وینست بیل، معجزه اراده، ترجمه: وجیهه آذرمی، ص ۸۹؛ به نقل از: مبانی روان‌شناختی خوش‌بختی با نگرش دینی، ناهید طیبی، مریم معین‌الاسلام، انتشارات عطر سعادت، ۱۳۸۰، چ ۲. ۳. محمدحسن بن علی حرانی، تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۸، چ ۲، ص ۴۸۳. ۴. ابوالفضل خراسانی، احسن الحکایات فی حجاب السافرات، صص ۹۰۲-۹۰۷.

۴. پاسخ به میل فطری

میل به پوشش، میلی فطری است. مشکل ناشی از رعایت نشدن پوشش زنان در جامعه و میل فطری آنان به پوشش بود که سبب شد زنان خدمت رسول خدا(ص) برسند و مشکیشان را مطرح کنند. بر این اساس، حکم حجاب برای آنان وضع شد و زنان از این دستور حکیمانه الهی استقبال کردند. دلیل این ادعا گزارشی است که عایشه از استقبال زنان از آیات حجاب ارائه کرده است: من برتر از زنان انصار ندیدم. همین که آیات سوره احزاب نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با جلباب‌های مشکی می‌پوشاندند، گویی کلاغ روی سرشان نشسته است. بعد از نزول آیات حجاب، زنان مدینه احساس شخصیت می‌کردند و این دستور الهی را با اشتیاق پذیرفتند و بی‌درنگ به این واجب الهی عمل کردند. ۱. دستوره‌های اسلام، در میان زنان تحولی چشم‌گیر پدید آورد. در سنن ابی‌داوود از ام‌سلمه چنین نقل شده است: پس از آنکه سوره احزاب «يُدْنِينَ عَلَيهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» (احزاب: ۵۳) نازل شد، زنان مسلمان، حجاب و پوشیدگی را شعار خود ساختند. و در طول زندگی خویش، حجاب را مایه کرامت انسانی خود شمردند و بدان افتخار کردند. ۲. ۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۵۹. ۲. حجاب در ادیان الهی، صص ۱۶۸ - ۲. ۱۶۹

فصل چهارم: پوشش کامل از دیدگاه اسلام

اشاره

یکی از مباحث چالش‌برانگیز در زمینه حجاب، مسئله حجاب کامل است. برای پاسخ‌گویی به این مسئله به سراغ آیه ۵۱ سوره احزاب می‌رویم که در آن با واژه جلباب، نوع پوشش را بیان می‌کند. اگر دریابیم که در زمان رسول خدا(ص) منظور از جلباب چه بوده است و زنان چگونه به این حکم الهی عمل می‌کردند، می‌توانیم به کامل‌ترین مصداق پوشش از منظر پیام‌آور وحی پی ببریم. از این رو، برای دستیابی به مصداق کامل پوشش، ابتدا باید مفهوم جلباب را بشناسیم. پیش از هرگونه ادعایی در این باره، این لغت را از منظر واژه‌شناسان، فقیهان و مفسران بررسی می‌کنیم.

واژه‌شناسی مفهوم جلباب

ریشه لغوی جلباب، «جیم»، «لام» و «باء» است که بر اساس برخی کتاب‌های لغت، مثل معجم مقاییس اللغه دارای دو معناست. معنای اول، آوردن شیء (از جایی به جای دیگر) است و معنای دوم آن چیزی است که شیء دیگر را می‌پوشاند. ۱. جلباب از معنای دوم مشتق شده و با کسر جیم، در اصل مصدر فعل رباعی «جلبب» است که از مصدر اسم ذات اراده شده و نام پوشش ویژه‌ای است. تغییر از اسم ذات به وسیله مصدر، سبب شده است که مبالغه در پوشاندن را بفهماند، به گونه‌ای که بر معنای پوشش بزرگ و کامل دلالت کند. ۲. راغب نیز آن را پیراهن و روسری تعریف کرده ۳ و در قاموس، پیراهن و لباس گشاد، کوچک‌تر از ملحفه و یا چیزی مثل ملحفه معنا کرده است که زن به وسیله آن تمام جامه‌های خویش را می‌پوشد یا چارقد. ۴. در المنجد آمده است: «الجلباب، القصيص أو الثوب الواسع؛ جلباب، پیراهن یا لباس گشاد است». ۵. با وجود اختلاف زبان‌شناسان، همه قبول دارند که جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیری است که ظاهر و همه بدن را می‌پوشاند. در برای بیان پوشش گسترده، از واژه‌ها و تعبیرهایی همانند ملحفه، عبا، ردا، ازار و کسا استفاده کرده‌اند که بیان‌کننده معنای پوشش سرتاسری و کامل است که بخش‌های بیرونی و ظاهری بدن را می‌پوشاند و روی لباس‌های دیگر پوشانده می‌شود. ۶. در برخی فرهنگ‌نامه‌هایی که به معنای واژه‌های قرآنی می‌پردازند، جلباب را چادر معنا کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به لسان‌التزیل، فرهنگ‌نامه قرآنی، الدر فی الترجمان، تفسیر

مفردات قرآن نسخه کهن، نثر طوبی و قاموس قرآن اشاره کرد. ۱۷. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ ق، ص ۴۷. ۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۲، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰، ص ۹۵. ۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المكتبه المرتضوی، ۱۳۶۲، ج ۱. ۴. همان، ص ۵۰۱. ۵. به نقل از شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۰۱. ۶. محمدفواد البرازی، حجاب المرأ المسلمة بین انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین، ص ۲۳. ۷. حسین مهدی زاده، مقاله «هم گونی جلباب قرآنی و چادر مشکی»، مجله پیام زن، ش ۱۷۷.

مفهوم جلباب از دید مفسران

مفسران درباره معنای «جلباب»، معانی بسیاری را بیان کرده‌اند که عبارتند از: ملحفه، ردا، چادر، عبا، لباس گشاد و مقنعه. ۱. در تفسیر منهج الصادقین، جلباب را ثوبی واسع تر از خمار و کمتر از ردا معنا کرده‌اند. ۲. تفسیر اثنی عشری، جلباب را لباس مختص زنان مؤمنه می‌داند. ۳. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان، جلباب را جامه‌ای سرتاسری می‌داند که تمام بدن را می‌پوشاند. ۴. صاحب مجمع البیان، جلباب را ردایی می‌شمارد که سر و روی زن را وقتی که برای کاری از خانه خارج می‌شود، می‌پوشاند و از قول ابن عباس نقل می‌کند: «منظور از جلباب، عبا است». ۵. این تفاسیر برای جلباب مؤید این است که جلباب غیر از مقنعه است و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود. کیفیت آن نیز بر حسب عرف و عادت فرق می‌کند و گاهی به صورت عبا و گاهی چادر است، ولی بی‌گمان، این لباس، لباسی گشاد و بلند است، نه تنگ و چسبان، به گونه‌ای که زیبایی‌های اندام و لباس‌های زیر که معمولاً رنگ‌های متنوع دارد، پنهان است و زن می‌تواند به وسیله آن، خود را در حفاظی مطمئن قرار دهد که نظر بیگانه را جلب نکند. به‌طور کلی، جلباب، پوششی است که افزون بر استتار اعضای بدن، حجم اندام و جذابیت‌های لباس و زیور را پوشاند. ۶. کتاب‌های تفسیری قرآن که جلباب را چادر معنا کرده‌اند، عبارتند از: تفسیر نسفی، تفسیر شریف لاهیجی، تفسیر ابوالفتح رازی، مخزن العرفان، تفسیر اثنی عشری، منهج الصادقین فی الزام المخالفین و اطیب البیان فی تفسیر القرآن. در همه این کتاب‌ها، ذیل تفسیر آیه ۵۹ احزاب، تصریح شده که جلباب به معنای چادر است. ۷. به‌طور کلی، قرآن فرمان می‌دهد که بانوان با مراقبت، جامه‌شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهد اهل عفاف هستند، چادر آنها جنبه تشریفاتی ندارد و به گونه‌ای رها و آزاد نیست که پوششی برای آنها ایجاد نکند. زمخسری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی، از ابن عباس، یار پیامبر اکرم(ص) و شاگرد امام علی(ع) نقل کرده‌اند که جلباب، پوششی بود که از بالا تا پایین بدن را می‌پوشاند. ۸. به‌رحال، جلباب، پوشش ویژه‌ای است. اینکه در تفسیر آن اختلاف وجود دارد، به دلیل آداب و رسوم و نوع پوشش‌ها بر اساس زمان و مکان است، ولی زبان‌شناسان و مفسران روی این مفهوم اتفاق نظر دارند که جلباب، حجابی گسترده و فراگیر است که همه بدن را می‌پوشاند. ۱. آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ص ۱۰۷. ۲. ملافتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۷، چاپ‌خانه محمدحسن علمی، آذر ۱۳۳۰، ص ۳۲۲. ۳. حسین بن احمد الحسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۱، ص ۳۱۸. ۴. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۹. ۵. امین الاسلام طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، بیروت، دارالمعرفت، ۱۴۰۸ هـ ق، ص ۳۶۹. ۶. ستار هدایت خواه، زیور عفاف، معاونت اداره کل آموزش و پرورش خراسان، ۱۳۷۵، ج ۲. ۷. حسین مهدی زاده، هم گونی «جلباب» قرآنی و چادر مشکی، مجله پیام زن، ش ۱۷۷. ۸. همان، ص ۱۷۷. پوشش فاطمه(س)، مصداق پوشش برتر یکی دیگر از مسائلی که می‌تواند ما را در دست‌رسی به مصداق پوشش برتر رهنمون سازد، پوشش دختر رسول خدا(ص) است؛ زیرا ایشان به عنوان یکی از مخاطبان آیات حجاب، در عمل به دستوره‌های الهی، پیش‌تاز بود و به بهترین گونه به حکم الهی عمل می‌کرد. به همین دلیل، در این بخش، پوشش حضرت زهرا(س) را برای رسیدن به مصداق برتر پوشش بررسی می‌کنیم. در تاریخ گفته شده است پیامبر در بستر آخرین بیماری که به وفات ایشان انجامید، از ابوذر خواست فاطمه زهرا(س) را خبر کند. ابوذر شیوه پوشش حضرت زهرا(س) را این گونه

بیان کرده است: «فَلَبَسَتْ جِلْبَابَهَا وَ خَرَجَتْ؛ جِلْبَاب و چادر خود را پوشید و از خانه بیرون آمد». ۱. همچنین درباره پوشش حضرت فاطمه(س) هنگام خروج از خانه و رفتن به مسجد برای دفاع از حقوق فدک چنین گفته شده است: «لَأَتَّ حِمَارَهَا عَلَي رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَّت بِجِلْبَابِهَا؛ حِمَار و مقنعه خویش را بر سر کرد و جِلْبَاب پوشید». ۲. از شیوه پوشش حضرت فاطمه(س) به این نکته‌ها پی می‌بریم که فاطمه‌زهرا(س) از حِمَار و جِلْبَاب استفاده می‌کرد و جِلْبَاب، پوششی سراسری بوده که از سر تا نوک پای حضرت را پوشانده بود. حتی در گزارشی آمده است که پایین چادر حضرت روی زمین کشیده می‌شد. در این گزارش‌ها، چگونگی حجاب حضرت زهرا(س) تبیین شده است که بدین ترتیب می‌توانیم به مصداق پوشش برتر پی ببریم که استفاده از حِمَار و جِلْبَاب به عنوان پوششی سراسری است. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان دریافت اندازه جِلْبَاب به گونه‌ای بوده که همانند چادر در زمان ما، از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشاند. از واژه «یدنین» نیز به این نکته پی می‌بریم که جلو چادر باز بوده و به زنان دستور داده شده است که آن را رها نکنند و دو طرف آن را به هم نزدیک کنند؛ زیرا «یدنین» از ریشه لغوی «دنو» به معنای نزدیک کردن در برابر دور کردن است. قرآن مجید با استفاده از تعبیر «دنو» و نزدیکی، به بانوان دستور داده است که جِلْبَاب را با علاقه بپوشند تا با نوعی محافظت و دقت همراه باشد، نه مانند کسی که به اجبار، لباس می‌پوشد. ۳. همچنین در گزارش ام‌سلمه و عایشه آمده است که وقتی آیه جِلْبَاب نازل شد، زنان انصار درحالی که کسای خود را که سیاه بود، بر خود انداخته بودند، از خانه خارج شدند. ۴. وقتی زنان انصار، پس از نزول آیه جِلْبَاب، عبا سیاه بر سر کردند، پیامبر اکرم(ص) با تقریر خود، این نوع برداشت از جِلْبَاب را تأیید کرد و این، خود، دلیل بر صحت برداشت زنان انصار از جِلْبَاب است؛ زیرا سکوت پیامبر درباره این حکم فراگیر و اثرگذار در جامعه، حجتی بر صحت عمل آنان است. افزون بر این دلایل، احادیثی همچون حدیث نبوی(ص) وجود دارد که بیان می‌کند، رسول اکرم(ص)، برای زنان هنگام روبه‌رو شدن با نامحرم، از چهار پوشش نام برده و حِمَار و جِلْبَاب را کاملاً از هم جدا کرده است. چادر، مصداق پوشش برتر در عصر حاضر است و در قرآن و سیره زنان اهل بیت، به ویژه فاطمه زهرا(س) ریشه دارد. پیامبر، چادر را به عنوان یکی از وسایل نوزده گانه ضروری جهیزیه برای دخترش زهرا(س) قرار داد. ۵. چادر سیاه، بهترین و سالم‌ترین پوشش زن مسلمان است که بزرگواری و فروتنی زن را در برابر احکام اسلام و ارزش‌های اخلاقی به منصف ظهور می‌گذارد. چادر، کمال پوشش است؛ زیرا به جهت پوشش یکنواخت و یک‌پارچه بدن، توجه نامحرم را جلب نمی‌کند. چادر، مظهر دیانت، ملیت و استقلال فرهنگی زن مسلمان ایرانی است و زن را در برابر نگاه‌های آلوده، حفظ می‌کند. عظمت و صلابت این نماد دینی سبب شده است استعمارگران، با فرهنگ عفاف بچنگند. زنان باید بدانند شیطان برای رسیدن به مقاصد شوم خود، با اجرای سیاست گام‌به‌گام، نخست، حجاب کامل را که چادر است، از او می‌گیرد و با ایجاد تمایل در پوشیدن چادرهای نازک، توری، گل‌دار و مانند آن، او را به سمت بدحجابی و در نهایت، بی‌حجابی می‌کشاند. ۶. از همین روست که مسٹر همفر، جاسوس کارآزموده انگلیسی می‌گوید: «باید زنان مسلمان را فریب داد و از چادر و عبا بیرون کرد». ۷. فریب‌کاری و تلاش شیطان‌صفتان، نشان‌دهنده اثر این سنگر نفوذناپذیر است؛ زیرا چادر، پیام استقلال و آزادی زن مسلمان و سد راه ابتدال فرهنگی غرب است. چادر، جلوه عفاف حضرت فاطمه(س) است که با گذشت چهارده قرن، ندای آزادی‌بخش او هنوز در گوش تاریخ طنین‌انداز است. ۸. گفتنی است پوشش‌هایی چون مانتو و مقنعه، با رعایت شرایط، بخشی از حجاب اسلامی را تأمین می‌کنند و یک حجاب متوسط به‌شمار می‌آید. به‌هرحال، از میزان خشم و برافروختگی دشمنان اسلام از چادر و ممنوعیت آن در کشورهایش، می‌توان اهمیت و ارزش آن را دریافت. ۱. مجلسی، بحارالانوار. ج ۳۶، ص ۲۸۸. ۲. احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، تهران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۹۸. ۳. روح الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، دی ماه ۱۳۶۰، چ ۱، ص ۶۳. ۲. درالمنثور، ج ۶، ص ۶۵۹. ۳. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۷۱. ۴. روح الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، ص ۶۴. ۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۷۱. ۶. حسین مهدی زاده، حجاب شناسی چالش‌ها و کاوش‌های

جدید. ۷. حکایت کشف حجاب، تهران، مؤسسه قدر ولایت، ناشر فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۴. ۸. محمدرضا اکبری، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان، انتشارات پیام عترت، ۱۳۷۶، چ ۳، ص ۸۱. فلسفه تأکید بر استفاده از جلباب جلباب یا چادر، حجاب حداکثری و وسیله‌ای برای تمایز و جدایی زنان غریب است و نشان می‌دهد زنان مسلمان، برای خود حرمت قائل هستند و اجازه فرصت‌طلبی را به فرصت‌جویان نمی‌دهند. در واقع، چادر، حریمی است که زنان اصیل، با خود آن را به بیرون می‌برند و فرصت را از بیمار دلان می‌گیرند. بر اساس بیان قرآنی، فلسفه چادر این است که این پوشش برای معرفی زن مسلمان به عنوان زنی اصیل و آزاده، بهتر از دیگر پوشش‌هاست؛ زیرا چنین پوششی، نشانه رستگاری و پاک‌دامنی باطنی و عامل بازدارنده در برابر آزار مزاحمان است. یکی از فلسفه‌های حجاب حداکثری، راندن افراد لاابالی و مزاحم است تا فکر چشم‌چرانی و آزار دادن را در ذهن خود نپرورانند. البته حجایی می‌تواند چنین تأثیری را داشته باشد که از تمام ویژگی‌های حجاب برخوردار باشد، از جمله اینکه زن همراه با آرایش و زینت ظاهر خود، این چادر را به سر نکرده و غریب باشد. نباید به گونه‌ای از چادر استفاده کرد که از مصداق‌های «کاسیات عاریات»^۱ شمرده شود؛ یعنی زنانی که به ظاهر پوشیده‌اند، ولی در واقع برهنه‌اند. ریون کرکت، مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران می‌گوید: چادر، نمادی است که وجود انقلاب را در سر راه هر چهارراه به نمایش می‌گذارد. با چادر می‌توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده است. ۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹. ۲. مقاله «کشف حجاب به روش مدرن»، هفته‌نامه فیضیه، بهمن ۱۳۷۹، ص ۱. ۲. حدود پوشش برتر از دیدگاه رسول اعظم(ص) در زمینه مسئله حدود پوشش، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. اختلاف دیدگاه‌ها، به دلیل اختلاف برداشت درباره مواردی است که از حکم وجوب پوشش استثنا شده است. به طور کلی، چهار نگرش در این راستا مطرح است: ۱. پوشاندن همه بدن جز چهره و دو دست واجب است؛ ۲. پوشاندن همه بدن حتی چهره و دو دست واجب است؛ ۳. پوشاندن همه بدن جز چهره واجب است؛ ۴. پوشاندن همه بدن جز چهره و دو دست و پاها واجب است. در وجوب پوشاندن همه بدن، هیچ تردیدی نیست، ولی آنچه مورد اختلاف است، موارد استثنایی است. یکی از موارد استثنا، صورت است که به نظر می‌رسد پیامبر اکرم(ص) با توجه به نشانه‌هایی که وجود دارد، قائل به پوشش صورت برای زن نبود. از جمله این نشانه‌ها، روایتی است که از امام باقر(ع) به نقل از جابر بن عبدالله انصاری بیان شده است: رسول خدا(ص) به قصد دیدار با فاطمه بیرون شد، در حالی که من همراه آن حضرت بودم. چون به در خانه حضرت رسیدیم، پیامبر دست خود را بر در نهاد، فشار داد و سپس فرمود: «السلام علیکم». فاطمه(س) پاسخ داد: «علیک السلام ای رسول خدا!» پیامبر از فاطمه(س) اذن ورود خواست. حضرت فاطمه(س) فرمود: «داخل شو ای پیامبر خدا(ص)!» حضرت رسول پرسید: «با همراهم داخل شوم؟» حضرت فاطمه(س) فرمودند: «پوششی بر سر ندارم». پیامبر فرمود: «ای فاطمه! زیادی چادر خود را بگیر و سرت را با آن ببوشان» فاطمه نیز چنین کرد. سپس پیامبر دوباره اذن ورود با همراه را طلبید. حضرت فاطمه(س) فرمود: «بله ای رسول خدا، با همراهم داخل شوید». پس از اینکه به خانه فاطمه وارد شدیم، مشاهده کردیم رخسار فاطمه بسان شکم ملخ، زرد است. پیامبر خدا(ص) به فاطمه فرمود: «چرا چهره‌ات را زرد می‌بینم؟» دختر پیامبر پاسخ داد: «اثر گرسنگی است!» حضرت با شنیدن این سخن دعا کرد و عرضه داشت: «ای خدایی که گرسنگی را رفع و کاستی را دفع می‌کنی، فاطمه، دختر پیامبر را سیر کن!» جابر می‌گوید: به خدا سوگند، پس از دعای حضرت دیدم خون از قسمت پیشانی فاطمه به جریان افتاد و چهره او گلگون گردید و پس از آن دیگر گرسنه نشد. ۱. این جریان تاریخی بر واجب بودن پوشاندن چهره دلالت دارد. این رخداد، در حضور پیامبر روی داد و حضرت تنها از دخترشان خواسته است سر خود را ببوشاند. جابر نیز به همراه رسول خدا(ص) به دیدار حضرت فاطمه(س) رفته و از رنگ زرد چهره فاطمه(س) گزارش داده و بعد آثار استجاب دعا را در چهره ایشان دیده است. همه این موارد بر این مطلب دلالت دارد که چهره حضرت فاطمه(س) در محضر رسول خدا(ص) و جابر پیدا بوده است. اگر پوشاندن چهره واجب بود، حضرت رسول(ص)، سکوت و فاطمه زهرا(س) نیز این واجب را ترک نمی‌کرد. نکته قابل توجه دیگر این است

که ناقل این جریان امام محمد باقر(ع) است. در واقع، سه معصوم با این جریان مرتبط بوده و هیچ کدام کاری نکرده‌اند که دال بر وجوب پوشش صورت دلالت کند. پیامبر در جای دیگری فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ عَلَى شَرِيْعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ»^۲ روشن است که پوشاندن صورت و دست‌ها برای زنان در بسیاری از عرصه‌های عمومی، کاری مشکل و طاقت‌فرساست و موجب عسر و حرج به نظر می‌رسد که چنین حکمی به مقتضای عسر و حرج منتفی است.^۳ برداشتن حکم پوشش از محدوده صورت و کف دست، با اینکه این محدوده از زیبایی‌های زن است، برای تسهیل ارتباط او با دیگران است. پوشاندن چهره، کاری دشوار است و شارع مقدس این سختی را از عهده زنان برداشته است. استاد مطهری(ره) در کتاب مسئله حجاب چنین نوشته است: اگر شارع مقدس، پوشیدن چهره و دو دست را واجب بداند، خودبه‌خود، شعاع فعالیت زن به اندرون خانه و اجتماعات خاص زنان محدود می‌شود. خلاصه اینکه «وجه و کفین»، مرز پوشش زن است و ایرادهای مخالفان پوشش در صورتی درست است که حجاب صورت و دستان را لازم بدانیم. استثنای صورت و دستان، به منظور رفع حرج و امکان دادن به فعالیت زن است.^۴ در این راستا، روایت دیگری از عبدالله بن عباس با این مضمون وارد شده است: در سفر حج‌الوداع، زنی از قبیله خشعم، جهت استفتای مسئله‌ای، خدمت رسول خدا(ص) رسید. این در حالی بود که فضل بن عباس نیز پشت سر آن حضرت سوار بود. آن زن از پیامبر پرسید: فریضه حج بر پدرم واجب شده، ولی او به سبب کهولت سن توانایی سفر ندارد. اگر خود از سویش حج کنم، تکلیف او انجام گرفته‌است؟ پیامبر فرمود: «آری». در این هنگام، توجه و نگاه فضل به آن زن که زیبا بود، جلب شده بود و همین امر موجب شد که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخانید.^۵ این روایت نیز از جمله روایاتی است که برای اثبات واجب نبودن پوشش صورت برای زنان قابل استناد است؛ زیرا اگر پوشش صورت واجب بود، پیامبر به این زن تذکر می‌داد که صورت خود را بپوشاند، در حالی که حضرت صورت فضل را به جانب دیگر چرخاند. برخورد پیامبر با فضل نشان می‌دهد زنان وظیفه‌ای برای پوشاندن صورت خود ندارند، ولی مردان نباید به زنان نگاه شهوت‌آلود کنند. بنابراین، تأکید فراوان دین‌داران بر پوشاندن چهره زنان و دختران خود، از باب افضلیت این مسئله است و این پافشاری، بر وجوب آن دلالت ندارد. به‌طور کلی، دلیل قابل استنادی از سیره و گفتار رسول خدا(ص) بر وجوب پوشش صورت و دست‌ها در دست نیست، بلکه دلایل متقنی بر خلاف آن هست. برخی از جمله مرحوم فیض کاشانی در کتاب صافی^۶ با استناد به آیه مبارکه «يُذِنْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ...» (احزاب: ۵۳) به وجوب پوشش صورت حکم داده‌اند. این در حالی است که این آیه درباره ضرورت نزدیک کردن دو طرف چادر است و هیچ اشاره‌ای به پوشاندن صورت ندارد. به گفته صاحب المیزان، مفهوم آیه این است: خود را با روپوش‌هایشان بپوشانند و گریبان و سینه‌هایشان را برای کسانی که می‌بینند، آشکار نسازند.^۷ ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن و صحابی رسول اکرم(ص) در تفسیر این آیه گفته است: «زن، مو و سینه و دور گردن و زیر گلویش را بپوشاند».^۸ بنا بر آنچه گذشت، روشن شد که حد پوشش از دید رسول خدا(ص)، پوشاندن تمام بدن جز صورت و دو دست است. زن بهتر است این حد از پوشش را بر اساس رهنمود رسول گرامی اسلام با چهار نوع پوشش، نظیر پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار بپوشاند. ایشان در این باره فرمود: شوهر حق دارد به بدن زن که زیر پیراهن قرار دارد، نگاه کند و برادر و فرزند مجازند از روی پیراهن به بدن زن نگاه کنند، ولی در برابر نامحرم باید چهار لباس بپوشد: پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار.^۹ پس از بررسی واژه جلباب، اکنون واژه خمار را بررسی می‌کنیم که پیامبر اکرم(ص) آن را یکی از چهار پوشش زن دانسته است. خمار، وسیله‌ای برای پوشش سر و گردن و سینه‌هاست. خداوند در حکمی ویژه درباره بانوان می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوْبِهِنَّ...»؛ روسری‌های خود را بر گریبان خود ببندازید».^{۱۰} (نور: ۳۱) پیش از نزول این آیه کریمه، زنان روسری‌های خود را پشت سر خود قرار می‌دادند و زیر گلو گره نمی‌زدند. به همین جهت، گردن و سینه‌های آنان نمایان بود. از این آیه برمی‌آید که زنان افزون بر پوشیدن سر خود وظیفه پوشاندن گریبان و سینه را هم دارند و باید به وسیله خمار که همان مقنعه یا روسری بزرگ است، این حد از پوشش را هم رعایت کنند. زنان افزون بر پوشش سراسری بدن و همچنین سر و گردن و سینه‌ها به وسیله خمار باید همان‌گونه که رسول

خدا(ص) فرموده است، از شلوار استفاده کنند. رسول اعظم(ص) چنان نسبت به شرافت زنان امت خویش اهتمام داشت که برای زنانی که در پوشش خود از شلوار استفاده می‌کنند، آمرزش خواست و این سخن را «... خدایا زنانی را که شلوار می‌پوشند، بیامرز.» سه بار تکرار کرد. ایشان سپس فرمود: «ای مردم، زنان خود را هنگامی که از خانه بیرون می‌روند، با شلوار بپوشانید.» ۱۰ آنچه بیان شد، درباره حد واجبی از پوشش است که زنان مسلمان ملزم به رعایت آن هستند، ولی نباید از این نکته غفلت کرد که مسئله پوشش، مثل دیگر احکام الهی یک حد واجب دارد و آن برای کسانی است که فقط به دنبال انجام تکالیف واجب هستند. برای کسانی که می‌خواهند به مراتب بالاتری از تقرب الهی برسند، حدود مستحبی هم مطرح شده است. حضرت فاطمه زهرا(س) در این زمینه فرمود: خداوند، تقرب زن را از ناحیه حجاب و رعایت حریم محرم و نامحرم قرار داده است و هرچه تقید بیشتر، تقرب هم افزون‌تر خواهد بود. ۱۱ از این رو، در امر پوشش، حد واجب همان مقدار است که بیان شد. استاد مطهری(ره) بر این باور است: از نظر اسلام، هر قدر زن، عفاف و حجاب را بیشتر مراعات کند، پسندیده‌تر است و به خاطر ارفاقی که درباره حکم صورت و دست‌ها و غیر آن داده شده است، این اصل کلی را نباید از یاد برد. ۱۲ اگر آدمی همیشه هدف آفرینش را در نظر داشته باشد و با این نگاه به تدبیر امور زندگانی خویش بپردازد، دین را محدود به احکام فقهی نمی‌بیند. چنین شخصی می‌داند نماز و رعایت حجاب، حداقل کاری است که باید انجام دهد. در باطن و غایت نماز، دوری از فحشا و منکر نهفته است و نماز بدون این آثار، صورتی بیش نیست و تنها رافع تکلیف است. حجاب نیز بدون عفاف و حیا، فقط برطرف‌کننده گناه است. از این رو، انسان باید همواره جوینده مراتب حقیقی و افزون‌تر کمال باشد و به حداقل‌ها بسنده نکند. عمل به واجبات مانند حرکت در لبه پشت‌بام است که با کمی بی‌احتیاطی ممکن است فرد سرنگون شود و خرد حکم می‌کند که در وسط پشت‌بام حرکت کند. مسئله حجاب هم این گونه است. انسان باید برای جلوگیری از هرگونه آسیب‌پذیری در وادی پارسایی حرکت کند. رسول اعظم(ص) فرمود: میان خود و حرام پرده‌ای از حلال قرار دهید. کسی که این گونه عمل کند، عرض و دین خود را نجات داده است و کسی که در محدوده (حلال نزدیک به حرام) اقامت کند، مانند کسی است که کنار آتش نشسته و نزدیک است در آن بیفتد. ۱۳. ۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۷؛ ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۲۵، ح ۳. ۲. بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۵۴۸. ۳. کتاب مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۵۱۳. ۴. احمد بن محمد شیبانی، مسند احمد، ج ۱، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۲۵۱. ۵. محمد محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، انتشارات دارالمرتضی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۶۶. ۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۵۰۸. ۷. ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵. ۸. همان، ص ۱۵۵؛ ذیل آیه ۶۰ سوره نور. ۹. ابی الحسن و رام بن فراس، تنبیه الخواطر، بیروت، انتشارات دارالتعارف، ۶۰۵ هـ.ق، ص ۳۲۳. ۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳. ۱۱. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، ص ۱۵۲. ۱۲. میزان الحکمه، ص ۳۵۱۰، ح ۲۱۶۳.

رنگ پوشش

همواره این پرسش وجود داشته است که پوشش دینی باید چه رنگی داشته باشد؟ آیا رنگ خاصی مطرح است یا تنها رعایت حدود حجاب مهم است؟ چرا زنان باید از رنگ سیاه استفاده کنند، در حالی که این رنگ در آموزه‌های دینی مکروه است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید بگوئیم زنان صدر اسلام، نخستین مخاطبان آیه جلاب بودند و برداشت آنها از جلاب، رنگ سیاه بوده است. ام سلمه می‌گوید: وقتی آیه جلاب نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند در حالی که پوشش‌های سیاه داشتند. ۱ در ریشه لغوی جلاب، رنگ سیاه آمده است. معنای جلب در بسیاری از کتاب‌های لغت، تیرگی و سیاهی است و درباره سیاهی شب از عبارت «جلب اللیل» استفاده شده است. از این رو، استفاده از چادر سیاه به دلیل ریشه قرآنی آن است. ۲ رنگ‌شناسان بر این باورند که رنگ سیاه، رنگ صامت و غیرفعال است و سبب تحریک و جلب توجه نمی‌شود. در کتاب روان‌شناسی رنگ‌ها درباره

رنگ سیاه نوشته شده است: «سیاه نمایانگر مرز مطلق است»^۳. بنابراین، فردی که در برابر نامحرم و بیرون خانه از حجاب سیاه استفاده می‌کند، با مرز مطلق و کاملی میان خود و افراد نامحرم پدید می‌آورد. وقتی زن در بیرون از خانه، چادر سیاه به سر می‌کند، می‌خواهد نشان دهد نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم حیا و عفت است. امروزه نظریه خستی بودن انسان در برابر رنگ، نظریه‌ای غیرعلمی و عوامانه است و مسئله رنگ‌درمانی، از اثرپذیری انسان حکایت دارد. رنگ سیاه کارکردهای روانی دارد. برای نمونه، آثار شب برای اهل دل، پناهگاهی آرامش‌بخش است. به‌طور کلی، رنگ سیاه سبب ایجاد آرامش روانی می‌شود، همان‌گونه که تاریکی شب، از فعالیت غیرطبیعی و اضافی او می‌کاهد و مجال آرامش و آسایش جسمی و روحی را فراهم می‌آورد.^۴ تقریر رسول خدا(ص) و مخالفت نکردن حضرت با پوشش چادر سیاه زنان انصار، دلیلی برای کراهت نداشتن رنگ سیاه است. رنگ سیاه احساس بزرگی، هیبت و وزین بودن را ایجاد می‌کند و به همین دلیل، لباس‌های رسمی، بیشتر سیاه است و سیاستمداران از این رنگ استفاده می‌کنند.^۵ استفاده بانوان از رنگ سیاه، والایی و هیبت معنوی پدید می‌آورد که سبب می‌شود مردان نامحرم در برخورد با آنان حریم را نگه دارند. بهره‌مندی از رنگ سیاه، به عنوان پوشش زنان، مختص عرصه‌های عمومی است که برای حفظ متانت، وقار و هیبت زنان، بر پوشیدن چادر یا عبا با رنگ سیاه تأکید شده است، ولی در خانه و محافل زنانه، اسلام به زنان سفارش کرده است از رنگ‌های شاد به‌ویژه رنگ سفید بهره ببرند.^۱ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۱۸۳. ۲. حجاب‌شناسی چالش‌ها و کاوش‌های جدید، صص ۷-۱۰. ۳. همان، ص ۱۰. ۴. مقاله «از دنیای رنگ‌ها تا دنیای انسان‌ها»، مجله زن شرقی، ش ۲۲، دی‌ماه ۱۳۸۳، ص ۱۱. ۵. هوارد و دوروتی‌سان، زندگی با رنگ، روان‌شناسی و درمان با رنگ‌ها، ترجمه: نغمه صفاریان پور، انتشارات حکایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۷.

پوشش‌های نهی شده

پیامبر اکرم(ص)، پوشیدن برخی لباس‌ها را برای مسلمانان شایسته نمی‌دانست. از این رو، آنان را از این گونه پوشش‌ها نهی می‌کرد که در این بخش به آن می‌پردازیم.^۱ تشبیه زنان به مردان و برعکس یکی از پوشش‌هایی که پیامبر اعظم(ص) با لحن شدید، مسلمانان را از آن نهی کرد، پوشش مردانه برای زنان و پوشش زنانه برای مردان است. پیامبر، کسی را که این گونه لباس بپوشد، از رحمت خدا به دور می‌داند و او را لعنت می‌کند.^۱ همچنین امام صادق(ع) در روایتی از قول رسول اکرم(ص) می‌گوید که آن حضرت همانندسازی زنان با مردان و برعکس را نهی می‌کرد.^۲ گفته شده است روزی حضرت علی(ع) در مسجد پیامبر با مردی روبه‌رو شد که دارای حالت زنانه بود. حضرت به او فرمود: از مسجد رسول خدا(ص) بیرون شو، ای کسی که مورد لعنت رسول خدا(ص) هستی! پیامبر می‌فرمود: خداوند لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند.^۳ همچنین حضرت علی(ع) نقل می‌کند که با پیامبر خدا(ص) در مسجد نشسته بودم که مردی با حالت زنانه بر پیامبر وارد شد و سلام کرد. حضرت پس از اینکه به سلام او پاسخ داد، چشم به زمین دوخت و درحالی که استغفار می‌کرد، فرمود: «آیا چنین افرادی در امت من یافت می‌شوند؟! این گونه افراد در هیچ امتی یافت نمی‌شوند، مگر اینکه آن امت پیش از آمدن قیامت، عذاب شود.»^۴ ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، کتاب التجاره، ابواب ما یکتسب به، باب ۸۷. ۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ابواب احکام الملابس، باب ۱۲، ص ۳۵۵. ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۱، ح ۲. ۴. همان، ح ۳. ۲. بسنده کردن به پوشش واحد یکی دیگر از انواع پوشش که نهی شده، بسنده کردن به پوشیدن لباس واحد است. یکی از موردهایی که پیامبر هنگام بیعت با زنان یادآور شد، این بود که زنان از پوشیدن لباس واحد خودداری کنند. در صحیح مسلم آمده است که پیامبر «حق احتبا» را از زنان گرفت. «احتبا» از «حبوه» گرفته شده و به معنای پوشیدن لباس واحدی است که وقتی زانو را بغل می‌گیرند، عورت کشف می‌شود.^۱ صحیح مسلم، ج ۱۴، ص ۷۶، باب النهی عن الاحتباء فی ثوب واحد. ۳. لباس دشمنان یکی دیگر از انواع پوشش که رسول خدا(ص) آن را ناپسند شمرده،

پوشیدن لباس دشمنان است زیرا مانند دشمنان لباس پوشیدن، هویت دینی و ملی یک امت را نابود می‌کند. از این رو، زنان مسلمان در گزینش لباس خویش باید اصالت دینی و ملی خود را حفظ کنند و لباس آنان شبیه پوشش دشمنان نباشد. مانند دشمنان لباس پوشیدن، نشانه تمایل است. از این رو، پیامبر فرمود: «هرکس لباس دشمنان را بپوشد، گویا از آنان شده است.»^۱ به هر حال، باید از آنچه به اقتدار ملی و دینی مسلمانان آسیب می‌رساند، دوری کرد. ۱. علی کرمی فریدنی، پرتوی از پیام پیامبر(برگردانی تازه از نهج الفصاحه)، انتشارات حلم، چ ۱، سال ۱۳۸۴، ص ۸۶، ۴. لباس شهرت لباس شهرت، یکی دیگر از انواع پوشش‌هاست که نهی شده است و در بخش زینت و آرایش، به آن می‌پردازیم. پوشش‌های دیگری که مسلمانان از آن نهی شده‌اند، عبارتند از: الف) پوشش‌هایی که انسان را انگشت‌نما کند؛ ب) پوشش‌های محرک غریزه جنسی؛ ج) پوشش‌های نازک. عایشه درباره پوشش نازک می‌گوید: خواهرم، اسما در حالی که لباس نازک به تن داشت، نزد رسول خدا(ص) آمد. حضرت از وی روی برتافت و فرمود: «ای اسما، زن هنگامی که به بلوغ می‌رسد، صحیح نیست غیر از این قسمت و این قسمت از بدنش پیدا باشد.»(به صورت و کفین خود اشاره کرد).^۱ رسول خدا(ص) درباره کیفیت پوشش به زنان چنین تذکر داده است: «سزاوار نیست برای زنان که هنگام رفتن از خانه، لباس خود را جمع و فشرده کنند.»^۲ ۱. سنن ابی داوود، دار احیاء السنه النبویه، ج ۱، باب فیما تبدی المرأه من زینتها، ص ۶۴. ۲. فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب الستر، ص ۵۱۹.

فصل پنجم: برخورد همسران و دختران پیامبر اعظم(ص) با حکم پوشش

درباره چگونگی پوشش زنان رسول خدا(ص)

و روش برخورد مردان با آنان پیش از آنکه دستوری درباره حدود حجاب صادر شود، آیاتی در سال پنجم هجری نازل گشت. پیش از نزول این آیات، همسران رسول خدا(ص) با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان در جامعه حاضر می‌شدند و با مردم سخن می‌گفتند. تا اینکه در سال پنجم هجری، پس از ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، خداوند به مؤمنان دستور داد هرگاه از همسران رسول خدا(ص) چیزی خواستند، از پشت پرده بخواهند: «و اذا سألتموهنّ متاعاً فسئلوهنّ من وراء حجاب...» (احزاب: ۵۳) پیش از نزول این آیه، آیاتی نازل شد که همسران رسول خدا(ص) را از دیگر زنان جدا کرد و به آنان فرمود: ای زنان پیامبر، شما همانند هیچ‌یک از زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس در سخن نرمی نکنید که فرد بیمار دل به طمع افتد و به نیکی سخن بگوید و در خانه‌هایتان آرام گیرید و همانند روزگار جاهلیت پیشین، زینت‌نمایی نکنید. (احزاب: ۳۲ و ۳۳) رسول خدا(ص) از همسران خود می‌خواست که حتی در برابر ابن مکتوم که نابیناست، رو بگیرند و در پس پرده بمانند. از ام سلمه روایت شده است: من و میمونه نزد رسول خدا(ص) بودیم که ابن مکتوم وارد شد. این حادثه پس از دستور به حجاب بود. پیامبر فرمود: «در پس پرده حجاب بروید.» گفتیم: ای رسول خدا(ص)، آن، نابینایی است که ما را نمی‌بیند. فرمود: «آیا شما نیز نابینا هستید؟ آیا شما او را نمی‌بینید؟»^۱ ۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۰۹، ح ۵. تأکید بیشتر بر حجاب همسران رسول خدا(ص) به دلیل موقعیت ویژه همسران رسول خدا(ص)، احکام تکلیفی همسران آن حضرت با زنان دیگر متفاوت بود و شدت بیشتری داشت. از این رو، ابتدا خداوند، آنان را به تقوا فرا خواند که شرط لازم برای ایجاد مصونیت در قبال خطرها و آسیب‌های اجتماعی است. سپس به آنان دستور داد در سخن گفتن با منافقان بیمار دل، خضوع نداشته باشند؛ زیرا فروتنی همسران رسول خدا(ص) در برابر منافقان، موقعیت ممتاز آنان را به خطر می‌اندازد. دستور دیگر خداوند به همسران رسول خدا(ص) این است که در خانه بمانند. استاد مطهری می‌نویسد: اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیامبر در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان در خانه‌های خود بمانند. و در این جهت، بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است...^۱ ۱. بنابر مفاد این آیه زنان پیامبر نباید به کاری دست

بزنند که مستلزم خروج آنان از حرم پیامبر باشد نظیر کاری که عایشه کرد. با وجود نزول این آیه، پیامبر در جنگ‌ها و مسافرت‌ها، به قید قرعه، یکی از همسرانش را با خود می‌برد. این سیره نبوی نشان می‌دهد که خداوند خواستار خانه‌نشینی همسران رسول خدا (ص) نبود، بلکه منظور این بود که از حریم رسول خدا (ص) خارج نشوند. ۱. مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۵۸۲.

حجاب فاطمه زهرا(س)

حضرت فاطمه(س)، نمونه عالی عمل به فریضه الهی حجاب است. وقتی آیه معروف حجاب نازل شد، حضرت زهرا(س) به عنوان یکی از مخاطبان مستقیم آیه، در عمل به این فریضه پیش‌تاز بود و به الگویی ربانی برای جامعه بشری بدل گشت، به گونه‌ای که مظهر عفاف و حجاب گردید و با معرفی الگوی عملی، مسئله عفاف و پوشش را تبیین و ترسیم کرد. ایشان نشان داد که زن باحجاب می‌تواند با حفظ سرمایه خود که عفاف و حیاست، در جامعه اثرگذار و تحول‌آفرین باشد. حضرت فاطمه(س) به زنان نشان داد که باید دغدغه حفظ حریم و حجاب را داشته باشد و این دغدغه در زندگی زن مسلمان نمود یابد. مقنعه، عبای سیاه و عبای سفید جزو لوازم ضروری جهیزه ایشان بود. بر اساس گزارش‌های تاریخی، هنگامی که حضرت می‌خواست به مسجد برود و برای سخنرانی در حضور خلیفه زمان و مردم حاضر شود، مقنعه‌اش را پوشید و خود را میان عبا قرار داد و سر و صورت و دیگر اعضای بدنش را پوشاند. لباس‌هایش به گونه‌ای بلند بود که هنگام راه رفتن، پایش را به دامن آن می‌نهاد. بعد پرده‌ای در مقابل آن حضرت کشیده شد و نشست و سخنرانی کرد. ۱. حتی آن حضرت برای پوشاندن قامت بی‌جان، پس از شهادت، نگران بود و در وصیت خود چنین فرمود: برای من تابوتی تهیه کن که هنگام حمل جنازه، بدنم پیدا نباشد و ساختمانش چنین و چنان باشد. ۲. این گزارش تاریخی به خوبی روشن می‌کند که حجاب مورد نظر اسلام فقط پوشاندن اعضای بدن غیر از صورت و دست‌ها نیست، بلکه چیزی فراتر از آن؛ یعنی نمایان نشدن برجستگی‌های بدن است. آن روز که حضرت فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) در آغاز زندگی مشترک خود برای تقسیم کار نزد رسول گرامی اسلام شتافتند. و از آن حضرت کسب تکلیف کردند، رسول خدا (ص) فاطمه(س) را مأمور انجام کارهای داخل خانه کرد و علی(ع) را نیز مأمور امور خارج از خانه ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق‌العاده خوش حال شد و چنین اظهار داشت: جز خدا کسی نمی‌داند که من از این تقسیم کار چه قدر خوش حال شدم؛ زیرا پدرم، رسول خدا مرا از رودررویی با مردان معاف داشته است. این حدیث نشان‌دهنده وجود روحیه عفاف در حضرت زهرا(س) است و اینکه ایشان به اختلاط با مردان تمایل نداشت. ۳. همچنین آن حضرت در پاسخ به پرسش پیامبر که پرسید: «چه روش و سیره‌ای برای زندگی بانوان بهتر است؟» فرمود: «بهترین زنان کسی است که نه آنان مردان را ببینند و نه مردان آنان را». پیامبر اکرم(ص) وی را تحسین کرد و فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي». ۴. این روایت، گویای این حقیقت است که در قاموس فرهنگ فاطمه(س)، خیر برای زنان این است که تا هنگامی که ضرورتی پیش نیامده است، با نامحرمان ارتباط برقرار نکنند. به‌طور کلی حضور زنان در عرصه جامعه و ارتباط ایشان با نامحرمان ضرورتی ندارد و مطلوب‌ترین سیره برای بانوان، حضور در خانه و رسیدگی نیکو به همسران و تربیت دینی فرزندان است. البته در شرایط عادی، دیدار زنان با مردان، ممنوعیت شرعی و قانونی ندارد و آنها می‌توانند با رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، به عرصه‌های اجتماعی وارد شوند. از این رو، حکم بیان شده در روایت، سفارشی اخلاقی ترجیحی است، نه حکمی قانونی تکلیفی. ۵. ۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸. ۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲، به نقل از: حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۵۲. ۳. همان. ۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸. ۵. محمدتقی مصباح یزدی، چشمه‌ای از زلال کوثر، ص ۹۳، تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱.

فصل ششم: آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم(ص)

مفهوم آرایش و زینت

پیش از پرداختن به مسئله آرایش و زینت از دیدگاه رسول اعظم(ص) لازم است به مفهوم آرایش و زینت نگاهی اجمالی داشته باشیم. آرایش در لغت‌نامه دهخدا به معنای زیر آمده است: اسم مصدر آراستن، زینت، زیور، جمال. و آرایش کردن به معنای آراستن و جلوه کردن آمده است. ۱. همچنین زینت را آرایش و زینت کردن را آرایش کردن، پیراستن و بزک کردن معنی کرده‌اند. ۲. بر اساس این مفهوم، بدن زن زینت به شمار می‌آید. آرایش، امری فطری و طبیعی است و گرایش فطری زن به آرایش، آثار روانی بسیار مثبتی برای وی دارد. بی‌میلی به آراستگی و آرایش، نشانه اختلال شخصیتی و روانی در فرد است. فرد ژولیده و بی‌رغبت نسبت به آرایش، برای خودش ارزش قائل نیست. بر این اساس، پوشیدن جامه زیبا، بهره‌گیری از مسواک و شانه زدن مو، خوشبو بودن، استفاده از انگشتر و آراستن خویش هنگام عبادت جزو مستحبات مؤکد است. ۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۲. ۲. همان، ج ۲۵، ص ۶۵۱

جایگاه زیبایی و آرایش

سه زن محضر رسول خدا (ص) شرف‌یاب شدند و از شوهران خود شکایت کردند. یکی از آنان نسبت به خودداری شوهرش از کاربرد بوی خوش گله داشت. رسول خدا (ص) بی‌درنگ درحالی که به نشانه خشم، ردایش را به زمین می‌کشید، از خانه به مسجد رفت و بر منبر آمد و فریاد کرد: «چه می‌شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده‌اند؟ همانا من هم گوشت می‌خورم و هم بوی خوش به کار می‌برم و هم از زنان بهره می‌گیرم و هر کس از (شیوه) من روی گرداند، از من نیست». ۱. هنگامی که رسول خدا (ص) نزد اصحاب می‌رفت، به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و مرتب می‌کرد و می‌گفت: «خداوند دوست دارد وقتی بنده‌اش به نزد دوستانش می‌رود، خود را آماده و زیبا سازد». ۲. قرآن کریم نیز آفرینش وسایل تجمل را از لطف‌های خدا نسبت به بندگانش می‌داند. ۳. همچنین اسلام، زنی را که کوتاهی می‌کند و خود را برای شوهرش نمی‌آراید، سرزنش کرده است. ۴. رسول گرامی اسلام فرمود: پاکیزه باشید و خودتان را شبیه یهود نکنید. زنان یهودی که زناکار شدند، بدان جهت بود که شوهرانشان کثیف بودند و کسی به آنها رغبت نمی‌کرد. از این رو، در آموزه‌های دینی تأکید شده است که خودتان را پاکیزه کنید تا زنانتان به شما متمایل گردند. ۶. اهتمام رسول خدا (ص) به زینت و آرایش زنان، نشان‌دهنده وجود مصالح فردی و اجتماعی است؛ زیرا شارع مقدس، قوانین و دستورهای دینی را بر اساس مصالح فردی و اجتماعی وضع می‌کند و در هر امری که مصلحتی وجود داشته باشد، احکام متناسب را به صورت واجب یا مستحب صادر می‌کند. ۱. اصول کافی، باب الزی و التجمل، ج ۵، ص ۱۱۹. ۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۴. ۳. اعراف: ۳۱ و ۳۲. ۴. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۲. ۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۵. ۶. پرتوی از پیام پیامبر، ص ۸۶.

دستورهای اجمالی در باب زینت

از آن‌جا که در امر زینت، مصالحی برای انسان به ویژه زنان نهفته است، شارع مقدس آن را مستحب دانسته و دستورهایی در این راستا صادر کرده است. البته این دستورها، ایجابی و سلبی‌اند. در بعد ایجابی، افراد مؤمن باید آراسته باشند و از زینت حتی هنگام عبادت استفاده کنند. شرع مقدس، به زنان بیش از سه روز اجازه ترک زینت نداده است. پیامبر فرمود: لا یحلُّ لامرأةٍ تؤمنُ باللهِ وَ الیومِ الآخرِ أنْ تُجِدَّ عَلَی مِیتِ فَوْقَ ثَلَاثِ لَیَالٍ إِلَّا عَلَی زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا؛ ۱ برای زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، جایز

نیست برای مرده‌ای بیش از سه روز آرایش را ترک کند، مگر برای زوج خود که واجب است چهار ماه و ده روز آرایش نکند. پیامبر در جایی دیگر فرمود: ان الله يحب من عبده اذا خرج الى اخوانه ان تهيا لهم و يتجمل. ۲. همانا خداوند دوست دارد بنده‌اش وقتی برای دیدار برادرش خارج می‌شود، خود را آماده کند و برای آنان زیبا سازد. بر اساس سخن تاریخ‌نگاران، حضرت نه تنها مخالف زیبایی و آرایش نبود، بلکه بر آن تأکید می‌ورزید و حتی رهنمودهایی نیز برای زیباسازی ارائه می‌کرد. توجه به این گزارش‌ها، به خوبی نمایانگر جایگاه آرایش و زیبایی از دیدگاه رسول خدا (ص) است. در این بخش، به بیان نمونه‌هایی از این موارد می‌پردازیم. امام صادق(ع) فرمود: پیامبر به زنی به نام ام‌عطیه که آرایشگر بود، گفت: ای ام‌عطیه، وقتی دختری را آرایش می‌کنی، صورتش را با پاره پارچه پاک مکن. بی‌شک، تکه پارچه، جلوه‌چهره را می‌گیرد. ۳. این جریان نشان‌دهنده توجه رسول خدا (ص) نسبت به آرایش و زیبایی و بهداشت پوست برای حفظ زیبایی است. همچنین از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: زن آرایشگری محضر رسول گرامی اسلام وارد شد. حضرت از جمله سفارش‌هایی که به وی کرد، این بود که برای زیباتر شدن زنان، گیسو را به گیسو گره مزن ۴. رهنمودهای حضرت محمد(ص) درباره مظاهر زینت بسیار جالب است. امام صادق(ع) نقل می‌کند: پیامبر فرمود: «طعطر زنانه باید خوش رنگ و دارای بوی ملایم باشد و عطر مردانه باید کم‌رنگ و از بوی تند برخوردار باشد». ۵. پیامبر اعظم(ص) درباره زینت و آرایش، به تفاوت میان زن و مرد توجه ویژه‌ای داشت. همچنین به مردان دستور می‌داد ناخن خود را کوتاه کنید و به زنان می‌گفت ناخن خود را کوتاه نکنید و برای زینت، کمی ناخن خود را بلند نگه دارید. ۶. پیامبر درباره موی سر زنان که یکی از جلوه‌های زیبایی است، چنین فرمود: اِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً فَلْيَنْظُرْ إِلَى شِعْرِهَا كَمَا يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ. ۷. هنگامی که یکی از شما دوست داشت با زنی ازدواج کند، پس به موی سرش نگاه کند، همان‌گونه که به صورتش نگاه می‌کند؛ زیرا موی زن یکی از زیبایی‌هاست. رسول خدا(ص) به زنان اجازه می‌داد تا موهای خود را با رنگ بیاریند. ایشان به زنان همسر دار فرمود خود را با رنگ برای شوهرانشان آرایش دهند و زنان بی‌همسر را دستور داد تا دست‌های خود را حنا ببندند تا به دست‌های مردان شباهت نداشته باشند. ۸. بر اساس سیره رسول خدا (ص)، زینت و تجمل در نظر شارع مقدس، محبوب است و از جمله مستحبات، زینت به قصد اظهار نعمت‌های الهی است. توجه به زینت، تخلق به اخلاق الهی است. از این رو، پیامبر می‌فرمود: «ان الله جميل و يحب الجمال». ۹. در سیره نبوی، مسئله زینت و توجه به وضع ظاهر چنان مهم است که حضرت به کسانی که به این امر بی‌توجه بودند، اعتراض و با آنان برخورد می‌کرد. ابن عباس نقل می‌کند: زنی نزد پیامبر آمد تا با آن حضرت بیعت کند، ولی چون خضاب نکرده بود، پیامبر با او بیعت نکرد تا آنکه خضاب کرد. ۱۰. در جایی دیگر از وی نقل شده است: پیامبر به یکی از همسران خود که مویی ژولیده و ظاهری ناآراسته داشت، تذکر داد و به وضع ظاهری او اعتراض کرد. ۱۱. در روایتی آمده است: شخصی به نام ابوریحانه به حضور رسول خدا (ص) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا (ص)، من زیبایی را دوست دارم، حتی زیبایی کفش را. آیا این از تکبر است؟ حضرت فرمود: «خداوند زیباست و زیبایی را می‌پسندد و دوست دارد که اثر نعمت خود را در بنده‌اش ببیند». ۱۲. از منظر دین، هزینه کردن برای زینت و آرایش جزو امور ضروری و لازم است و حتی این امر از انفاق در راه خدا پسندیده‌تر است. پیامبر اکرم (ص) در وصایای خود به امیر مؤمنان (ع) فرمود: دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً. ۱۳. هزینه یک درهم برای خضاب ارزشمندتر از هزینه هزار درهم در راه خداست و در خضاب کردن چهارده ویژگی است. دلیل این سخن پیامبر، وجود آثار مثبت خضاب است. آن زمان که پیامبر فهرست جهیزه دخترش را تهیه کرد، عطر جزء یکی از کالاها بود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت مسئله زینت است. همچنین از حضرت رسول(ص) نقل شده است: احسنوا لباسکم و اصلحوا رحالکم حتی تکنوا کانکم شاته فی الناس. ۱۴. زیبا لباس بپوشید و مرکب خوب سوار شوید تا در نگاه مردم خوب جلوه کنید. سفارش برای بهره‌مندی از عطر، خضاب، مسواک و داشتن لباس پاکیزه، همه بر استجاب مسئله زینت دلالت دارد. ۱. شرح اللمعة الدمشقية، ج ۲، کتاب الطلاق، التراث العربی، ص ۴۲۴. ۲. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۴۱۴. ۳. کافی، ج ۵،

ص ۱۱۸؛ ج ۶، ص ۳۸؛ تهذیب، عبدالقادر بدران، ج ۶، بیروت، دارالمیسره، ۱۳۹۸ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۱۵۶؛ ج ۷، ص ۴۴۶، ح ۴۹. ۴. کافی، ج ۵، ص ۱۱۹. ۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۴۴، باب ۱۳، ابواب آداب الحمام. ۶. وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۸۱، ح ۱. ۷. الخطیب العدنانی، الملابس و الزینه فی الاسلام، مؤسسه الانتشار الاسلامی، ۱۹۹۹ م، ج ۱. ۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۴۴، باب ۱۳، ابواب آداب الحمام. ۹. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۷۳. ۱۰. حدود پوشش و نگاه در اسلام، ص ۱۲۲. ۱۱. اصول کافی، باب الزی و التجمّل، ج ۵، ص ۱۱۸. ۱۲. صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۲، قم، دارالعلم، ۱۳۶۶، ص ۳۱۲. ۱۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۵. ۱۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۴. دستوره‌های سلبی پیامبر اعظم(ص) درباره زینت شارع مقدس، زینت و آرایش را به عنوان امری محبوب، برای زنان مطرح و در این راستا رهنمودهای لازم را ارائه کرد به موازات تأکید بر زینت و زیبایی، توجه دین‌داران زنان را همچنین به بخش آسیب‌زای زینت هم جلب کرده‌اند و دستوره‌های سلبی هم در این راستا بیان داشته است که به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. آشکار نکردن زینت از عنوان‌های مهمی که حکم استحباب زینت را به حرمت تغییر می‌دهد، آشکار کردن زینت است که قرآن کریم از این عمل نهی فرموده است: «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱). امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) روایت می‌کند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ. ۱. هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج شود، لعنت بر او فرستاده می‌شود تا زمانی که به خانه بازگردد. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۸۰، ح ۴، ص ۱۱۴. ۲. تبرج بیمارگونه یکی از ویژگی‌های مهم زنان، خودآرایی و خودنمایی است. در دین مبین اسلام، از این ویژگی با واژه «تبرج» یاد می‌شود که با توجه به معنای لغوی این واژه، بهتر می‌توان به تعریف خودآرایی پرداخت. در فرهنگ‌نامه‌ها، معانی زیر برای تبرج آورده شده است: الف) جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌ها؛ ب) خودنمایی در برابر مردان؛ ج) تبرج از ماده برج، به معنای ظهور و آشکار ساختن است و به زنی که زیبایی‌هایش را در برابر نامحرم ظاهر می‌سازد، گفته می‌شود. ۳. بنابراین، خودآرایی و خودنمایی مترادف بوده و به معنای تبرج است. از نظر روان‌شناختی، خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به شمار می‌آید و باید مورد احترام و توجه مرد قرار گیرد تا به علت پاسخ نگفتن به این نیاز فطری، آسیب‌های روحی - روانی بر زن وارد نشود. ۴. زنان از نظر روانی، دارای ویژگی دیگرخواهی هستند و همین موجب خودآرایی در آنان می‌شود. در واقع، زنان به عرضه زیبایی خود نزد دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می‌دهند. از این رو، در محیط خانه کمتر به زیبایی‌های خود توجه دارند، ولی هنگامی که در مجالس و محافل عمومی شرکت می‌کنند، نسبت به زیبایی و آراستگی اهتمام بیشتری می‌ورزند. ۵. «تجربه نشان داده که اگر این حس تبرج و خودآرایی زنان در داخل محیط خانواده (خود و هم‌جنس‌های آنها با آزادی کافی همراه باشد، آنها خود را از خودآرایی در مناظر عمومی و محضر بیگانگان بی‌نیاز می‌یابند.» ۶. مردان باید به نیاز زیباپسندانه زنان اهمیت بدهند و آن را سرکوب نکنند تا به صورت ناهنجاری روانی ظاهر نشود. اگر زنان برای برآوردن این نیاز فطری در محدوده خانواده آزاد باشند، خودآرایی به صورت منفی در جامعه گسترش نخواهد یافت. «از نظر روان‌شناسی جنسی ثابت شده است که تحریک‌پذیری مرد در برابر محرک‌های بصری بسیار بیشتر از (دیگر) محرکات است. در صورتی که زن در برابر محرکات لمسی حساسیت بیشتری دارد. خصلت مرد، چشم‌چرانی و خصلت زن، خودآرایی است. تبرج از ویژگی‌های عاطفی هر زن است و کمتر اتفاق افتاده که مردان با لباس‌های بدن‌نما خارج شوند.» ۷. اکنون که به فطری بودن این ویژگی در زنان پی بردیم، لازم است که به تحدید و تعدیل آن بپردازیم. خودآرایی به شکل افراطی، نوعی بیماری است که با عشوه‌گری و طنزازی و دلربایی از آن یاد می‌شود و ناشی از فشارهای روانی فرد است. لمبروز، روان‌شناس معروف در کتاب روح زن چنین نوشته است: وقتی که زن، مرد را نسبت به خود علاقه‌مند دید و به سوی او متمایل شد، منظور اصلی او در عشوه‌گری و خودنمایی از بین می‌رود، چنان‌که مشاهده می‌شود زنانی که به شوهر و کودکان خود علاقه دارند، به کلی از این عالم (عشوه‌گری و دلبری افراطی و مذموم) برکنار می‌باشند و اگر زنی دیده شود که شیوه خودنمایی را پیشه کرده، فقط به این دلیل است که پاسخ عواطف درونی خویش را نزد شوهرش نیافته است. ۸. بارها

در مجامع زنانه دیده شده که سرخوردگی‌های عاطفی و بی‌توجهی مردان به هنر، زیبایی و استعداد و سلیقه زنان، سبب خودنمایی بیمارگونه زنان شده است، ولی خودآرایی متعادل و منطقی که لازمه زندگی سعادت‌مندانه است، محصول فطرت و نهاد و سرشت زنان بوده و قابل احترام و تحدید و برنامه‌ریزی است. در دین اسلام، تأکید فراوانی بر آرایش زن برای مرد شده و این کار، وسیله‌ای برای برآوردن نیاز زن به خودآرایی است. یکی از راه‌های تعدیل و تحدید خودآرایی، گزینش پوشش مناسب است. تأکید فراوان ادیان الهی بر حجاب برای زنان، به علت وجود گزینه‌ها و نیازهای ویژه زنان است. اگر برای خصلت خودآرایی زنان که سبب عشوهِ گری می‌شود، حکم حجاب ارائه نشود، زنان با گزینه‌های کنترل نشده و نامتعادل و تحت تأثیر شرایط ویژه اجتماعی، بهداشت روانی را ویران می‌کنند، ولی با حجاب و پوشش مناسب، چارچوب مشخصی برای بهره‌مندی از این ویژگی ذاتی، تعیین می‌شود که از پیدایش فساد اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند. از نظر روان‌شناختی، نداشتن پوشش مناسب، جوانان را نسبت به زنان بی‌اعتماد می‌کند و رغبت و گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در آنها ایجاد نمی‌شود. از طرفی، حس انتقام‌جویی و کینه‌توزی مرد نسبت به مردان دیگری که بی‌شرمانه همسر یا خواهر او را نظاره می‌کنند، برانگیخته می‌شود و آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد. ۹. آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی تبرج سبب نزول آیه «لَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ...» (احزاب: ۳۳) شد. رسول خدا (ص) درباره کسانی که پوشیدن لباس زیبا را نشانه شخصیت می‌دانند و با پوشیدن آن، خود را از دیگران برتر احساس می‌کنند و انتظار دارند همه چشم‌ها دنبال آنها باشد و همه حسرت لباس آنان را بخورند و آنها را خوش‌بخت به‌شمار آورند، می‌فرماید: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَبَاهِي بِهِ لِرَأْءِ النَّاسِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَهُ. ۱۰ هر کس لباسی بپوشد که به وسیله آن بر مردم مباحثات و تفاخر کند، خداوند به او (به نظر رحمت) نمی‌نگرد تا اینکه لباس را از تن در بیاورد. مَنْ لَبَسَ ثِيَابَ شَهْرَةَ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ لِبَاسَ الدَّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ۱۱ هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی که با آن مشهور شود)، خداوند در روز قیامت، لباس خواری بر او می‌پوشاند. همچنین پیامبر خدا(ص) نهی کرده است که لباس برای مباحثات بر مردم پوشیده شود. ایشان در این باره می‌فرماید: ۱. احمد المقرئ القيومي، مصباح المنير، ج ۱، ص ۴۲۰. ۲. طاهر احمدزادی، ترتيب القاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۴۰. ۳. حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱، ص ۲۲۷. ۴. مریم معین الاسلام و ناهید طیبی، روان‌شناسی زن در نهج البلاغه، قم، عطر سعادت، ج ۲، ص ۲۱۷. ۵. همان. ۶. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، ص ۱۱۳. ۷. مجتبی رکاوندی، روان‌شناسی زن، ص ۲۲۲. ۸. جینا لمبروز، روح زن، ج ۱، ترجمه: پری حسام شهرتیس، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۶۲، ص ۴۸. ۹. رک روان‌شناسی زن در نهج البلاغه، صص ۲۱۷ و ۲۲۱. ۱۰. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۸۱. ۱۱. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۱۴. ۳. آرایش برای غیرشوهر همان‌گونه که گفته شد، در آموزه‌های دینی بر آرایش و زینت بسیار تأکید و به میل طبیعی زنان به خودآرایی و خودنمایی توجه شده است، ولی آنها را از اینکه برای غیرهمسر خود زینت کنند، منع کرده‌اند. رسول خدا(ص) در فرازی از روایتی می‌فرماید: إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَاتُ مِنَ زَوْجِهِنَّ الْحَصَانَ عَنْ غَيْرِهِ. ۱. بهترین زنان شما، زنی است که... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، ولی خود را از نامحرمان بپوشاند. آن حضرت، آرایش و زینت زن، برای شوهر را از حقوق شوهر بر همسر می‌شمرد و می‌فرماید: عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِطَابِيبِ طَيْبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا. ۲. از جمله حقوق شوهر بر همسر این است که خود را به بهترین عطرها خوش‌بو کند و بهترین لباس‌هایش را بپوشد و خود را به بهترین صورت تزئین کند. در حدیث معروف مناهی نیز آمده است: وَ نَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ. ۳. پیامبر از اینکه زن برای غیرشوهرش آرایش کند، نهی کرد. اگر زن چنین کند، بر خداوند حق است که او را با آتش بسوزاند. ۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲، ح ۲. ۳. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۷، ح ۴.

واژه‌شناسی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه عفت است. راغب اصفهانی در مفردات، عفت را این گونه معنا می‌کند: عفت، پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون‌خواهی شهوت جلوگیری شود. ۱. ابن منظور در لسان‌العرب، عفت را «خویشتن‌داری از آنچه حلال و زیبا نیست» معنا می‌کند. ۲. در لغت‌نامه دهخدا، عفاف، پارسایی و پرهیزکاری معنا شده است ۳ و معین نیز در فرهنگ فارسی معین، عفاف را به همین معنا آورده است. ۴. عفت، نوعی منش و رفتار درونی است، ولی نمود عینی و رفتاری نیز دارد. از این رو، به فردی عقیف می‌گویند که این حالت در رفتار او آشکار باشد. ۱. راغب اصفهانی، معجم المفردات، ص ۳۵۰. ۲. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۹، ص ۲۵۳. ۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۰۸۱. ۴. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳۱۹.

پیوند حجاب و عفاف از دیدگاه دین

حجاب زیرمجموعه عفت است. با پوشش، حجاب محقق می‌شود، ولی تحقق عفاف به صرف پوشش نیست. پوشش همراه با اعمالی چون ناز و عشوه و نگاه به نامحرم، پوششی غیرعقیفانه است. عفاف، حالتی درونی است و حجاب به ظاهر و شکل برمی‌گردد؛ یعنی یکی، ظاهری و دیگری، باطنی است. میان حجاب و عفت، تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. هرچه حجاب و پوشش ظاهری، بیشتر و بهتر باشد، این کار در تقویت و پرورش درونی عفت اثرگذارتر است و هرچه عفت درونی تر باشد، سبب حفظ حجاب ظاهری می‌شود. حجاب، میوه عفاف و عفاف، ریشه حجاب است. حجاب مقتضی حیا و عفت است و زمانی که حیا و عفت به درجه کمال رسید، ایجاب حجاب می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «بِالْعَفَافِ تَرْكُو الْأَعْمَالُ؛ با عفاف اعمال پاک می‌شود». ۱. آنچه سبب تحقق کارکردهای حجاب در جامعه می‌شود، پوشش عقیفانه است، و گرنه پوشش بدون عفاف نمی‌تواند برای فرد و جامعه، آثار و برکاتی داشته باشد. هرگاه این دو با هم بودند، خیر پدید می‌آید. از این رو، متولیان فرهنگی باید تدبیری بیندیشند که حریم عفاف و حیا حفظ شود و توجه داشته باشند که جامعه عفت‌شکن نمی‌تواند در برابر هیچ خطری مصون باشد. به همین دلیل، پیامبر اکرم(ص) در رهنمودها و نیز سیره عملی خویش، بر جلوگیری از اختلاط زن و مرد هنگام رفت و آمد تأکید داشت؛ زیرا این مسئله در شکسته شدن حریم عفاف بسیار اثرگذار است. با توجه به اینکه زنان در نماز جماعت شرکت می‌کردند، روزی پیامبر به یکی از درها اشاره کرد و فرمود: «خوب است این در را به زنان اختصاص دهیم». ۲. از امام علی(ع) نقل می‌کنند که روزی با گروهی از اصحاب نزد رسول‌الله(ص) بودند. پیامبر از آنان درباره اینکه چه چیز برای زنان بهتر است، پرسید و کسی پاسخی نداد. تا اینکه حضرت علی(ع) به خانه فاطمه(س) آمد و شرح ماجرا را گفت. فاطمه(س) فرمود: خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَزِينَ الرَّجَالُ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ. ۳. برای زنان بهتر است که مردان را نبینند و همچنین مردان آنها را نبینند. وقتی حضرت نزد پیامبر برگشت و ماجرا را بیان کرد، رسول‌الله(ص) از این پاسخ حضرت زهرا(س) شادمان شد. پیامبر درباره روش گذشتن زنان از خیابان فرمود: لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنَ سُرُوتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَ لَكِنَّهَا تَمَشِي مِنَ حَيَابِ الْحَايِطِ وَ الْأَطْرَاقِ. زنان از وسط کوچه و خیابان نگذرند، بلکه از کنار و حاشیه بگذرند. ۴. همچنین پیامبر اکرم(ص) در ماجرای بیعت با زنان از آنها بیعت گرفت که با مردان بیگانه خلوت نکنند. ۵. خلوت با مردان، حریم‌شکن است و به دژ مستحکم حیا و عفاف آسیب وارد می‌کند. از این رو، پیامبر از زنان درباره این موضوع بیعت گرفت که از اهمیت حفظ حریم عفاف حکایت دارد. کوتاه سخن آنکه عفاف و حجاب، دو واژه در هم تنیده است که تفکیک آنها امکان‌پذیر نیست و یکی از نشانه‌های عفاف، پوشش است و عفاف بدون پوشش قابل تصور نیست و نمی‌شود به مرد یا زنی که عریان یا نیمه عریان در جامعه ظاهر می‌شود، عقیف گفت. به هر حال، پوشش نشانه عفاف است و اساسی‌ترین فلسفه معنوی پوشش در میان اقوام

و ملل، حفظ این ویژگی است. اینکه برخی القا می‌کنند بین عفاف و حجاب می‌توان تفکیک قائل شد، القایی شیطانی است؛ زیرا فاصله انداختن میان ارزش‌ها با نمودهای عینی آن، به معنای ذبح ارزش‌ها به گونه‌ای زیرکانه و مزورانه است. اگر قرار باشد حجاب از عفاف جدا و روی مسئله عفت بدون حجاب تأکید شود، معنای آن چیزی جز گرفتن عفت از زنان نیست. در یک جمله می‌توان گفت که حجاب، میوه عفاف است و به بیان دیگر، فردی که از ملکه عفاف برخوردار باشد، از درون خویش، پیام پوشش عیفانه و حجاب را می‌گیرد. ۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۰۸. ۲. سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۱۰۹، به نقل از مسئله حجاب، ص ۲۳۳. ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳ و ۱۷۲. ۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۲. ۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۴. نابودی عفاف و حجاب، ارمغان مدرنیته در برابر طرح نبوی، برای حضور اجتماعی زنان که همانا پاسداشت حجاب و عفاف بود، طرح دیگری شکل گرفت که ره‌آورد آن، نابودی عفاف و حجاب در جامعه است. بنیان‌های اساسی این طرح مبتنی بر نفی تمام تفاوت‌های میان زنان و مردان و تأکید بر این تفکر است که دختران در جامعه باید آموزش‌هایی ببینند که بر اساس آن بتوانند نقش‌هایی را که جامعه ویژه مردان می‌داند، برعهده بگیرند. خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد جامعه، مورد تهاجم جدی قرار گرفت و نقش مادری و همسری که از زیباترین نقش‌های عالم هستی است، به عنوان نقش سنتی و عاملی برای به بند کشیدن و محدود کردن آزادی زنان مطرح گشت. اکنون از دیدگاه زنان فرهیخته‌ای که از نزدیک، آثار این گونه اندیشه‌ها را تجربه کرده‌اند، دستاوردهای این تفکر را بررسی می‌کنیم و داوری درباره آن را به خوانندگان محترم می‌سپاریم. خانم سوزان فالودی درباره اینکه مجموعه این تلاش‌ها جز بدبختی، ارمغان دیگری برای زن هویت‌باخته امریکایی نداشته است، می‌نویسد: در پشت این سرور و بزرگداشت پیروزی زنان در امریکا و در ورای اخباری که همواره و بی‌وقفه تکرار می‌شود که مبارزه برای حقوق زن به ثمر نشست، پیام دیگری خودنمایی می‌کند. این پیام به زنان می‌گوید: اکنون شما آزاد و برابر هستید، ولی هیچ‌وقت بدبخت‌تر از این نبوده‌اید. خانم بتی فریدان می‌گوید: امروز تنهایی زنان مستقل، سلامتی روانی آنها را تهدید می‌کند. اکنون زنان به یک بحران جدید هویت مبتلا شده‌اند که اسم خاصی ندارد. چه‌طور ممکن است زنانی که در چنین مشکلات و بحران‌های بغرنج و خطرآفرینی به سر می‌برند، خوش‌بخت نامیده شوند. زنان، افسرده و غمگین هستند؛ چون آزادند. زنان، اسیر و برده آزادی خود شده‌اند. حرکت و نهضت زنان برای کسب آزادی و برابری که بارها در گوش ما زمزمه می‌شد، دشمن سرسخت خود زنان شده است. ۲. بشر پس از تجربه ناکامی‌ها و احساس تلخ بدبختی، اندوه، افسردگی و بی‌هویتی، به تکاپو افتاده است تا علل افول شخصیت انسانی خویش را در این جامعه مدرن و آزاد جست‌وجو کند. امروزه در غرب، کسانی برخاسته‌اند که نمی‌توانند چشم خویش را بر این حقایق ببندند. از این رو، جنبشی به راه انداخته‌اند تا به جنگ اندیشه‌های مخالف طبیعت و سرشت انسانی بروند. در ادامه سخن برخی اندیشمندان این جنبش، علل ناکامی‌های تفکر مدرنیته را در به‌وجود آوردن احساس رضایت و سعادت در زن غربی بررسی می‌کنیم: ۱. دبیرخانه همایش سراسری، فمینیسم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵. ۲. همان، ص ۹. ۱. تضعیف خانواده از بدترین آثار اندیشه‌های فمینیستی و انسان‌محور که به تعبیر بتی فریدان، زنان را با بحران جدی تنهایی روبه‌رو کرده است، مسئله تضعیف جایگاه خانواده است. نظریه پردازان این تفکر، با شعار ستیز زنان با ازدواج، خانواده و مردان و فرزندان، به گمان اینکه خانواده، جولان‌گاه اصلی میل به سلطه‌طلبی و استیلائی مردان بر زنان است، به جنگ این نهاد طبیعی و همیشه در جریان بشری رفته‌اند. پروفیسور آلیسون جاگر، استاد دانشگاه سینسیناتی و رئیس انجمن مقام زن در فلسفه می‌گوید: باید جامعه‌ای بنا شود که مردان بتوانند بچه شیر دهند و تخمک‌های بارور شده را بتوان به بدن زنان یا مردان منتقل کرد. ۱. آنان معتقدند زمانی که زن برای پرورش فرزندان صرف می‌کند و به بیانی دیگر، تعهد تمام وقت زن برای استحکام پایه‌های زندگی زناشویی، تلاشی بی‌ارزش است و باید وقت و انرژی زنان صرف تولید بازار شود. از سوی دیگر، یکی از آفت‌هایی که بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و از نتایج اندیشه فمینیستی و مدرن است، خودنمایی و حضور تحریک‌آمیز زنان و دختران در صحنه‌های اجتماعی است؛ زیرا گزینه تنوع‌طلبی و

زیباخواهی مردان متأهل با دیدن زنان بی‌حجاب و آرایش کرده، تمایلات جنسی آنان را شدت می‌بخشد و زیاده‌خواهی آنان سبب گرایش به سمت زنان زیبارو تر می‌شود و در نتیجه، میزان علاقه به همسر کاهش می‌یابد. در این شرایط، خانواده و همسر، یگانه راه تعدیل گزینه جنسی نخواهد بود و بخشی از نیازهای جنسی از طریق نامشروع ارضا می‌شود. بسیاری از کج خلقی‌ها، بی‌میلی در همراهی با همسر و روابط نامهربانانه زناشویی، از ره‌آورد های بدحجابی است. از دیگر آفت‌های تهدیدکننده نهاد خانواده که به واسطه اباحی‌گری غرب، روی مردان مجرد اثر بسزایی گذاشته، گسترش تبرج و پوشش نامناسب در کنار تحریک و تشویق زنان به حضور اجتماعی است. در نظام و جامعه بی‌بندوبار، مردان از وجود زنان بی‌حجاب و متبرج، به‌صورت کاذب بهره‌مند می‌شوند. دیگر کمتر جوانی حاضر می‌شود زیر بار هزینه سنگین تشکیل خانواده برود و دختران با اثر مستقیم آن روبه‌رو می‌شوند و از وجود همسر محروم می‌مانند. تفکر سرمایه‌داری که به سود و سرمایه بیشتر اصالت می‌دهد، از انواع مختلف ابزارهای تحریک‌کننده همچون پوشش‌های تنگ و چسبان، مدل‌های محرک گزینه جنسی، لوازم آرایشی خاص و مانند آن استفاده می‌کند تا ضمن آنکه نیمی از نیروهای انسانی را به عرصه‌های کار و می‌کشاند، تمایل آنان به تشکیل خانواده و تعهدات محدودکننده ناشی از آن را کاهش دهد و به وسیله زندگی تک‌زیستی و هم‌خانگی، نیازهای جنسی را در شرایط آزاد و بدون تعهد پاسخ گوید. خانواده، مرکز آموزش است و کودک، اولین و مهم‌ترین آگاهی‌های خود را از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی خانواده می‌آموزد. تمامی امور تربیت نیروی انسانی از جمله سازمان‌دهی، تنظیم، کنترل، هدایت رفتاری و برنامه‌ریزی رشد، در خانواده صورت می‌پذیرد. از این‌رو، در دین مبین اسلام، برای حفظ قداست محیط خانواده و به‌وجود آمدن شرایط مناسب تربیت فرزند، تحریک‌های جنسی در برابر فرزندان نکوهش شده است. آیات مبارکه سوره نور تأکید می‌کند که زنان باید نسبت به میزان ردیف محرمیت خود با مردان، پوشش مناسبی داشته باشند و افزون بر نامحرمان، نسبت به محارم خود از جمله فرزندان، عفاف را رعایت کنند تا فضای خانواده از هرگونه جلوه‌گری جنسی در امان باشد. ۱. مجله پویا، ش ۱. ۲. نابودی عفاف تشویق دختران غربی به آزادی در روابط جنسی سبب شده است آنان از اینکه این روابط آزاد را نداشته باشند، شرم‌منده باشند. از این‌رو، برای تأمین احساس رضایت و جلوگیری از سرشکستگی در برابر دوستان، برای روابط جنسی به رقابت می‌پردازند. خانم شلیت به وارونگی ارزش‌ها در این نظام فکری اشاره می‌کند و می‌گوید: در گذشته‌ای نه چندان دور، دانشگاه‌ها از کسانی که مشتاق درس خواندن بودند، حمایت می‌کردند و آنها را در مبارزه با فشارهای جنسی یاری می‌کردند. دانشجویان مجبور بودند مخفیانه روابط جنسی برقرار کنند، ولی اکنون تو هستی که باید از بی‌بندوبار نبودن شرم‌منده باشی، تو هستی که باید تمایلت را به عفت جنسی آن‌قدر محتاطانه نشان‌دهی که انگار هرزگی می‌کنی. ۱. او معتقد است مبارزه با عفت، پیش از ظهور فمینیست‌ها آغاز شده بود. از زمان نظریه‌پردازی اشخاصی چون هیوم و روسو، نگاه سودانگاران به عفت، آسیب‌های شدیدی به این ارزش انسانی وارد کرد. آنان با القای اینکه عفت بی‌فایده است و هر آنچه برای انسان سود ندارد، باید کنار گذاشته شود، در بینش لذت‌محور و منفعت‌گرای خود، هیچ ارزشی برای این ویژگی طبیعی آدمی قائل نشدند. از این‌رو، روسو در سال ۱۷۵۸م. می‌نویسد: عفت چیزی نیست. عفت فقط اختراع قوانین اجتماعی است برای حفاظت از حقوق پدران و شوهران و برای حفظ مقصداری نظم در خانواده‌ها. چرا باید به خاطر نیازهای طبیعی مان شرم‌منده باشیم. وی برخلاف باور هیوم که معتقد است «عفت برای منفعت جامعه ساخته شده است»، بر این باور است که عفت ساخته مردان بوده و با هدف بندگی و مطیع کردن زنان جعل شده است. ۲. ۱. فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۶. همان، ص ۳۵. رویکرد زنان غربی به حجاب و عفاف، دلیل ناکارآمدی تفکر مدرنیته ناکامی‌های انسان در عصر حاضر، تجربه قرن‌ها روی‌گردانی از دین، اخلاق و فطرت آدمی است. شکست مدرنیته در ادعای بی‌نیازی از مذهب الهی و هلاکت‌های ناشی از اندیشه‌های ضددینی و اخلاقی موجب شده است که حریصانه دنبال راهی برای نجات از این همه سردرگمی باشد. او امروز گم‌شده خود را در بازگشت به سرشت خویش و مذهب می‌جوید. نویسنده کتاب نابودی عفاف، ارمان فمینیسم می‌نویسد: «دلیل

رو آوردن بسیاری از افراد به مذهب، یافتن زندگی جدیدی است.» او گره خوردن به امور قدسی را امری مهم می‌داند و نتیجه می‌گیرد: «در حضور قدسی باید خود را پوشاند.»^۱ این نویسنده در جایی دیگر می‌نویسد: در «امریکا، انقلابی در بازگشت به پوشش‌های عفیفانه در حال شکل‌گیری است.» همچنین در مقاله‌ای در مجله تایم، به تاریخ جولای ۱۹۸۹ م. از موج عظیم حرکت به سوی عفت و محافظه‌کاری سخن به میان آمده و بر اساس گزارش این روزنامه، تقاضا برای لباس‌های پوشیده، سال به سال افزایش می‌یابد.^۲ خانم دایان پاسنو، نویسنده کتاب فمینیسم، راز زندگی یا اشتباه و مدیر مؤسسه مطالعات خانواده می‌نویسد: به نظر ما، تلاش برای کنار گذاشتن خداوند، در جهت حذف آرا و قوانین اخلاقی از جامعه، کاری بیهوده و بی‌معنی است و نتایج اسف‌باری چون افزایش تعداد مادران مجرد، پدران غایب، ایدز، ادبیات و فرهنگ شهوانی و سقط جنین دارد. باید به زنان بگوییم خداوند، راه نجات را که ارج نهادن به کرامت انسانی است، در شما نهفته است. اگر برای کسب ارزش و شأن به نهضت فمینیسم متوسل شوید، جز ناامیدی بهره‌ای نخواهیم برد.^۳ من به آنچه فمینیست‌ها ارائه می‌دهند، اعتراض دارم. سعادت و شادمانی حقیقی انسان جز از طریق ارتباط با خداوند میسر نیست. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. اگر خداوند را بخوانید، به شما پاسخ خواهد داد. از یاد نبرید که نبرد حقیقی را خداوند رهبری می‌کند و شما در سپاه او سرباز کوچکی هستید.^۴ مجال برای پرداختن به این گونه باورها و رویکردهای اندیشمندان غرب نیست، ولی همین مقدار کافی است تا بدانیم رویکرد زنان اروپا به حجاب، رویکردی دینی و اخلاقی است. اگر دختر باحجاب فرانسوی، به هیچ قیمتی حاضر نیست حجاب خویش را کنار بگذارد، به این دلیل است که دریافته ارزش‌ها و هنجارهای دینی، یگانه راه سعادت و هدایت اوست و برای فرار از سرگشتگی و سرشکستگی، یگانه عنصر هویت‌بخش و عزت‌آفرین، آموزه‌های دینی و در رأس آن عفاف است.^۱ همان، ص ۸۵. ^۲ همان، ص ۵۹. ^۳ همان، ص ۷۳. ^۴ همان.

راه‌کارهای استعمارگران برای حجاب‌زدایی

اگر بخواهیم تاریخچه حجاب‌زدایی در دوران اسلام را بررسی کنیم، باید ریشه این مسئله را در زمان نزول آیه حجاب بیابیم. اولین گام‌ها با تفسیر به رأی آیات حجاب آغاز شد و با این بیان که آیه حجاب فقط مربوط به زنان آزاده است و زنان برده، ملزم به رعایت این حکم الهی نیستند، حجاب‌زدایی آغاز شد. بر اساس اعتقاد برخی تاریخ‌نگاران و پژوهشگران، برای برداشتن حجاب از سر دختران رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع)، برنامه‌ای طرح کردند که این نقشه با دفاع آگاهانه و عالمانه امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) خنثی شد. استعمارگران در طول تاریخ به صورت‌های گوناگون کوشیدند تا با فرهنگ حجاب مبارزه کنند. برنامه‌های انگلیس و فرانسه برای حجاب‌زدایی، در حافظه تاریخ خواهد ماند. هیچ‌گاه تلاش محمد آرکون، صهیونیست مسلمان‌نما از یاد نمی‌رود. او پیشنهاد اخراج دانش‌آموزان باحجاب را به ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه داد. همچنین زلمی نماینده دایم ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد خلیل‌زاد، که افغانی تبار و از مشاوران جرج دلبویوش است، پیشنهاد جعل احادیث مربوط به حجاب را داد. اعطای جایزه یک میلیون دلاری به فردی که روسری را از سر زن مسلمان برمی‌دارد و جایزه‌های چند میلیون دلاری به کسانی که در خط مقدم ساختارشکنی قرار دارند، از دیگر برنامه‌های استعمارگران است. تلاش فراوان برای حذف دین با استفاده ابزاری از زن و اینکه او کالایی جذاب است، جزو نقشه‌های مهاجمان است.^۱ پایین آوردن ارزش زنان در حد یک حیوان و به کارگیری آنها در آگهی‌های تلویزیونی، به گونه‌ای که در هزار شبکه، در لابه‌لای برنامه‌ها، زنان روسپی را معرفی و قیمت و شماره تماس آنها را مطرح می‌کنند، نمونه‌ای از بردگی است. جالب اینجاست که در این میان، تنها روسری زن و دختر مسلمان فرانسوی به‌شمار می‌رود. هم‌چنین قرار دادن اعلامیه جهانی حقوق بشر به جای قرآن و روایات یا تهیه کتاب زمینی هیومن ۲ در برابر سه کتاب آسمانی تورات، انجیل و قرآن، تلاش‌های منسجم و هماهنگی است که در یک راستا صورت می‌گیرد. مدرنیته می‌کوشد

از زیبایی‌های ظاهری زن، برای زراندوزی استفاده کند و با نشان دادن زیبایی زن، سود بیشتری به دست آورد. آنها حجاب زن را مانع زراندوزی می‌دانند و می‌کوشند آن را حذف کنند؛ زیرا برهنگی، منبع درآمد نظام سرمایه‌داری است و از این راه می‌توانند به ثروت بسیاری برسند. ۳. استکبار جهانی برای دست‌یابی به ذخایر انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، سد استواری را در برابر خود می‌بیند که همانا ارزش‌های معنوی و بنیان‌های عقیدتی مسلمانان است. در این میان، عالی‌ترین نماد دین‌داری و پای‌بندی به ارزش‌ها، حجاب است که بیش از ارزش‌های دیگر، دشمن به آن حمله کرده است. استعمارگران از سال‌ها پیش مبارزه با حجاب را به عنوان هدفی استراتژیک به صورت هم‌زمان در ترکیه، افغانستان و ایران پی‌افکنند. امان‌الله‌خان در افغانستان، رضاخان در ایران و آتاتورک در ترکیه، برای مبارزه با فرهنگ حجاب، به اعدام عالمان، ممنوعیت آموزش‌های دینی، تعطیلی مراکز مذهبی، ترویج معاشرت دختر و پسر و کشف حجاب پرداختند. همواره سیاست مذهب‌زدایی و کشف حجاب، با مقاومت شدید مردم روبه‌رو بوده است که این مقاومت همچنان ادامه دارد. نمونه زیبای آن نیز رفتار فرشته لودین، دختر مسلمان افغانی است که دوره تربیت معلم را در آلمان با موفقیت پشت سر گذاشت و هنگامی که برای اشتغال به تدریس مراجعه کرد، به خاطر داشتن روسری، با پاسخ منفی مسئولان مدارس روبه‌رو شد. با این حال، او خواسته آنان را برای برداشتن حجاب نپذیرفت. واکنش نمایندگان احزاب گوناگون در برابر این اقدام مجلس آلمان قابل توجه است. برای نمونه، حزب جمهوری‌خواه راست‌گرای افراطی، با ندادن مجوز کار به زنان باحجاب، موافق است و بر این باورند که معلمی که روسری به سر داشته باشد، جایش در کلاس درس آلمانی‌ها نیست. ۴. اوریش مائر، رئیس حزب اس.پی.دی. ۵ که سوسیال دموکرات است، می‌گوید: «به خانم لودین نیایستی اجازه داده شود که روسری سر کند؛ زیرا در قرآن نوشته نشده که بایستی روسری به سر کرد». (مجله پیام زن، ش ۱۲) خانم آنته شاون، ۶ وزیر فرهنگ ایالت بادن ورتمبرگ ۷ معتقد است: آماده نبودن فرشته برای برداشتن روسری‌اش بیانگر این مطلب است که ایشان نمی‌خواهد قدمی در راه تساهل و تسامح بردارد. ۸. گروهی از اصحاب مطبوعات آلمان، روسری را نمادی سیاسی پنداشتند و پیشنهاد کردند که دولت آلمان باید همانند دولت لاییک ترکیه، حجاب را ممنوع اعلام کند. آنان کلاس‌های دینی را تهدیدی برای مغرب زمین می‌دانند که میراث غرب را به مخاطره می‌اندازد. به همین دلیل نیز به مسلمانان امکانات نمی‌دهند. ۹. اسلام، دومین دین آلمان به شمار می‌آید، ولی مسلمانان هنوز برای گرفتن کوچک‌ترین حقوق اسلامی خود دچار مشکل هستند. نکته قابل توجه، دلایل مختلفی است که برای توجیه ممنوعیت استفاده از روسری، از سوی نمایندگان مجلس و وزیر فرهنگ ایالت مربوطه ارائه شد. آنها با ارائه دلایلی چون روسری امری واجب در اسلام نیست و زنان مسلمان دیگری هستند که روسری به سر نمی‌کنند یا اینکه یک خانم معلم با سر کردن روسری، وسعت دیدش محدود خواهد شد و نمی‌تواند ببیند سر کلاس او چه می‌گذرد، با این نماد مبارزه کردند. آنان برای مقابله با این فرهنگ، تشکیل کلاس‌های منطبق با مبانی خود را پیشنهاد می‌دهند که با هدف تحریف آموزه‌های اسلامی و اروپایی کردن اسلام دنبال می‌شود. آنان می‌کوشند مسلمانان را به تساهل و تسامح بکشانند تا به آسانی از انجام وظایف دینی خود دست بردارند و اسلام را به گونه‌ای بپذیرند که غرب برای آنها تصویر می‌کند؛ زیرا هرگونه اصرار بر انجام وظایف دینی به منزله مشارکت نداشتن برای گسترش تساهل و تسامح بین دو فرهنگ غرب و اسلام تلقی می‌شود. آنان تبلیغات و جنگ فرهنگی خود را در سطحی بسیار گسترده انجام می‌دهند تا شاید بتوانند مسلمانان را تغییر دهند. البته تاریخ گواهی می‌دهد که علمای اسلام و مردم به پیروی از آنان هرگز در برابر خواسته‌های استعمارگران سر تعظیم فرود نیاورده‌اند و از آنچه استعمارگران نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند، محافظت می‌کنند. بزرگانی چون حضرت امام خمینی(ره)، سید حسن مدرس و دیگر علما در مقابل اقدام شوم رضاخان برای کشف حجاب ایستادند. اقدام علمای غیرت‌مندی چون حاج شیخ محمد بافقی که با دیکتاتوری رضاخان درافتاد و با نامه‌هایی تند و صریح، او را از کشف حجاب برحذر داشت، سبب شد که نقشه‌های شوم نظام سلطه نقش بر آب شود. حمایت مردم از جمله مردم شریف قم و ایستادگی آنان، اقدام رهبران دینی را تکمیل کرد. یکی از شواهد تاریخی غیرت‌مندی مردم مربوط به

زمانی است که تاج‌الملوک، همسر رضاخان، شمس و اشرف پهلوی و نیز چند تن از اعضای برجسته دربار پهلوی به قم آمده و در غرفه بالای ایوان آئینه حرم حضرت معصومه(س) بدون حجاب نشسته بودند. در این زمان، صدای اعتراض مردم و شیعیانی که در حال زیارت حرم مطهر بودند، بلند شد و یکی از روحانیان به نام سیدعبدالله ناظم، مردم را به امر به معروف و نهی از منکر فرا خواند و از مردم خواست تا جلو این رفتار زشت را بگیرند. وقتی این خبر به حاج شیخ محمدتقی بافقی رسید، ابتدا به خانواده رضاخان اخطار داد و از آنان خواست که حجابشان را رعایت کنند یا از این مکان بروند. «خبر به رضا شاه می‌رسد و شخصاً به قم می‌آید و با چکمه وارد صحن مطهر می‌شود و مرحوم بافقی را دستگیر می‌کند. با اعتراض شدید مردم، مجبور به آزادی وی می‌شود.» ۱۰. ۱. حسن عباسی، مقاله «حجاب در چرخه توسعه»، مجله زن شرقی، ش ۱۸-۱۷، ص ۱۵. ۲. Humen ۳. حسن عباسی، مقاله «حجاب در چرخه توسعه»، مجله زن شرقی، ش ۱۷-۱۸. ۴. سوسن صفاوردی، مجله پیام زن، ش ۱۲. ۵. SPD. ۶. Anete Schavan. ۷. Wrttemberg Baden. ۸. سوسن صفاوردی، مجله پیام زن، ش ۱۲. ۹. همان. ۶. همان. ۱۰. گلی زواره‌ای، هجوم استعمارگران علیه حجاب، مجله پیام زن، ش ۲۵.

فصل هشتم: همراه با برنامه‌سازان

رادیو و تلویزیون، رسانه‌ای فراگیر و فرهنگ‌ساز است که می‌تواند در خدمت اصلاح و تعالی یا نابودی فرهنگ جامعه باشد. در حال حاضر، مسئله گسترش پوشش و آرایش غیراسلامی، به معضل اجتماعی تبدیل شده. به گونه‌ای که نظر بیشتر صاحب‌نظران و متولیان امور فرهنگی و تربیتی را به خود معطوف داشته است. بی‌گمان، رسانه‌های فراگیر نمی‌توانند در برابر این مسئله مهم اجتماعی که فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، بی‌توجه باشند. بر این اساس، مسئولان محترم صدا و سیما باید نقش این رسانه را در جلوگیری از هنجارشکنی به ویژه مسئله بدحجابی و آرایش نامناسب تقویت کنند؛ زیرا بسیاری از برنامه‌ها و نوع پوشش زنان در این رسانه، عامل مؤثری در گسترش فرهنگ بدحجابی بوده است. صدا و سیما باید خود را از جمله دستگاه‌های دست‌اندرکار در عرصه حجاب در جامعه بداند. به نظر می‌رسد رسانه ملی پیش از هرگونه برنامه‌ریزی برای اثرگذاری در این حوزه، باید موردی و جزئی، میزان نقش خود را در اصلاح یا تخریب فرهنگ حجاب بررسی کند و با بهره‌گیری از تخصص‌های مرتبط، در قالب گروهی از کارشناسان، کاملاً مشخص کند که چند درصد از برنامه‌های صدا و سیما، در اصلاح پوشش یا تخریب این فرهنگ نقش داشته است. آن‌گاه پس از بررسی دقیق عوامل پدیدآورنده معضل‌های کنونی، آنها را رفع کند. به بیان دیگر، رسانه ملی باید در گام اول به آسیب‌شناسی بپردازد تا پی ببرد چرا در نهادینه‌سازی این ارزش دینی توفیق زیادی نداشته و در برخی مواقع، بر ضد فرهنگ حجاب، برنامه ساخته است. باید توجه داشت که صدا و سیما در احیای سنت نبوی حجاب نقش بی‌ظییری دارد و می‌تواند دیگر عوامل فرهنگ‌ساز جامعه مانند والدین و آموزگاران را نسبت به این مسئله حساس کند و با ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم به عوامل فرهنگ‌ساز، آنان را با سازوکارهای فرهنگ‌سازی آشنا و به آنها کمک کند تا بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند. هم‌چنین باید روابط خویش را با دیگر نهادهای فرهنگ‌ساز و مراکز حکومتی، هماهنگ سازد. این مهم زمانی تحقق می‌یابد که تمام نهادها و مراکز فرهنگی جامعه، در یک نظام و ارتباط هدف‌مند به صورت جامع به تقسیم وظایف بپردازند و نهاد متولی عرصه فرهنگ در جامعه، بر آنان نظارت کند. کوتاه سخن آنکه اولین گام صدا و سیما باید بررسی میزان اثرگذاری برنامه‌ها در دهه اخیر، در تخریب یا اصلاح مسئله پوشش باشد. گام دوم، برنامه‌ریزی برای آینده است و گام سوم، تشکیل گروهی کارشناس، شامل روان‌شناس، جامعه‌شناس و روحانی برای تعیین اهداف و تبیین آن. گام چهارم آن است که برای رسیدن به اهداف یاد شده تلاش کنند. گام نهمی نیز تقسیم کار است. هر یک از موج‌های رادیویی و کانال‌های تلویزیونی می‌تواند متناسب با نوع مخاطبی که برای آن تعریف شده است، عهده‌دار انجام بخشی از اهداف باشد. بدین صورت که شبکه قرآن سیما، نیازهای

معنوی دین‌داران جامعه را برطرف کرده و در شبکه جوان صدا، مفاهیم معنوی و معارف دینی به نسل سوم ارائه شود. همه بخش‌های صدا و سیما در راستای هدف کلی عمل می‌کنند، ولی هر کدام مخاطبانی دارند. برای نمونه، با توجه به اینکه بیشتر نخبگان و فرهیختگان جامعه مخاطب شبکه چهار سیما هستند، باید با ایجاد حساسیت ذهنی، آنان را وادارد که درباره فرهنگ حجاب بیندیشند. با فراخوانی نیز می‌تواند از آنان برای غنی‌سازی برنامه‌ها بهره جوید و در نهایت، این گروه را وارد عرصه کند. صدا و سیما با اهتمام جدی نسبت به برنامه‌ریزی کارشناسانه و اصولی و افزایش نظارت بر چگونگی پوشش زنان در برنامه‌های گوناگون صدا و سیما و ایجاد حساسیت عمومی در جامعه نسبت به ضرورت برخورداری از پوشش مناسب و القای فرهنگ درست پوشش می‌تواند در نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش دینی، نقشی بی‌همتا داشته باشد. ویژگی‌های رسانه از جمله نیازمندی آن به حجم فراوان برنامه‌ها و به تبع آن، پرهزینه بودن آن سبب می‌شود که انتظار دینی شدن آن در شرایط کاملاً مطلوب و ایده‌آل، کمی دور از ذهن باشد. مخاطبان صدا و سیما، سلیقه‌ها و باورهای متفاوتی دارند و نمی‌توان در یک سطح معرفی، به همه نیازهای دینی آنان پاسخ گفت. کم‌توجهی دین‌داران به عرصه رسانه موجب شده است هنرمندان و عوامل اجرایی متعهد و آشنا به آموزه‌های دینی، با این رسانه پیوند برقرار نکنند. جا دارد صدا و سیما با تعیین معیارهای رفتاری برگرفته از سنت نبوی، اساس برنامه‌های خود را بر احیای سنت‌های نبوی از جمله حجاب و آرایش مناسب قرار دهد. باید بر این باور باشیم که یکی از راه‌کارهای استراتژیک برای حل معضل بدحجابی، عمل به دستورهای رسول اعظم(ص) است. متأسفانه غفلت همگانی از این مسئله و برخورد شخصی و سلیقه‌ای با آن سبب پیدایش وضعیت آشفته و نابهنجاری شده است. خوش‌بختانه درباره پوشش و حجاب، اهمیت و حدود آن و فرهنگ‌سازی برای حجاب، مطالب بسیاری در آموزه‌های رسول اکرم(ص) وجود دارد. از این رو شایسته است: ۱. مزایا و معایب رعایت پوشش (آرایش اسلامی) بر اساس حدود نبوی بیان شود. ۲. زیان‌های بی‌توجهی به دستورهای پیامبر اعظم(ص) (تهدیدات فردی، اجتماعی، خانوادگی) روشن شود. ۳. حساسیت ملی برای رویارویی با اقدامات ضد شریعت نبوی، ایجاد شود. ۴. فیلم‌هایی که نشانه مخالفت استعمارگران در طول تاریخ با سنت حجاب است، تدوین شود. ۵. کارکنان، بازیگران و مجریان پوشش و آرایش اسلامی داشته باشند. ۶. برنامه‌هایی با رویکرد زنان و دختران اروپایی به اسلام، به ویژه در زمینه حجاب تهیه شود. ۷. درباره موقعیت ممتاز زنانی که به سنت نبوی پای‌بند بوده‌اند، بررسی تطبیقی صورت گیرد. ۸. برنامه‌های تولیدی صدا و سیما درباره پوشش و آرایش از دیدگاه رسول اکرم(ص) ادامه یابد. ۹. فیلم‌های کوتاه و نما‌آهنگ‌هایی بر اساس رهنمودهای رسول اعظم(ص) درباره پوشش و آرایش زنان تولید شود. ۱۰. حدود پوشش و آرایش بر اساس دیدگاه پیامبر، متناسب با ادبیات امروز، معرفی و تبیین شود. ۱۱. سمینارها و میزگردهای تخصصی برای شناسایی موانع عمل به دستورهای پیامبر اعظم(ص) و یافتن راه‌کارهای رفع موانع در عصر حاضر برگزار شود. ۱۲. دیدگاه‌های زنان فرهیخته غرب به ویژه امریکا درباره آثار منفی برهنگی و بی‌عفتی بیان شود. ۱۳. با شرکت زنان طرفدار بدحجابی و نیز زنان باحجاب، مناظره‌هایی، برگزار و نقش حجاب در زندگی فردی و اجتماعی آنان بررسی شود. ۱۴. زمینه همکاری جوانان در بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف و بحث در این باره فراهم شود. ۱۵. هماهنگی و هم‌سویی تمام شبکه‌ها در سیاست‌گذاری‌های مربوط به پوشش و آرایش در برنامه‌های تولیدی در نظر گرفته شود. ۱۶. اخبار و گزارش‌های تحلیلی مکرر از رویکرد زنان غرب به حجاب و پوشش‌های مناسب پخش شود. ۱۷. برنامه‌های متنوعی از آثار منفی بدحجابی در زندگی دختران نوجوان پخش شود. ۱۸. الگوسازی مناسبی در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی صورت گیرد. ۱۹. طرح حجاب به عنوان یک امتیاز و حق مطرح شود. ۲۰. بحث‌های کارشناسانه برای ارتقای سطح بینش و مهارت‌های خانواده برای موفقیت در حفظ ارزش‌های دینی کودکان انجام شود. ۲۱. علل بدحجابی به متولیان امور تربیتی جامعه، معرفی و با همکاری آنان برای رفع آن چاره‌اندیشی شود. ۲۲. به تشویق جامعه برای توسعه امر حجاب در برنامه‌ریزی‌ها توجه شود. در پایان، باید به این نکته اساسی درباره تصحیح رفتار اشاره کرد که رفتار انسان در اعتقادهای وی ریشه دارد و برای تصحیح آن باید ریشه و اساس آن

اصلاح شود. درباره مسئله حجاب هم باید باورهای دینی فرد تقویت شود. تا این مسئله اتفاق نیفتد، فرهنگ حجاب نهادینه‌سازی نخواهد شد. از این رو، صدا و سیما باید در این راستا باورهای دینی را تقویت کند و با تهیه فیلم‌ها و سریال‌های مناسبی، مخاطبان را با اخلاق اسلامی آشنا سازد. همچنین می‌تواند با برگزاری نشست‌های علمی با محوریت مسائل اعتقادی، در این زمینه فعالیت کند.

کتاب‌نامه

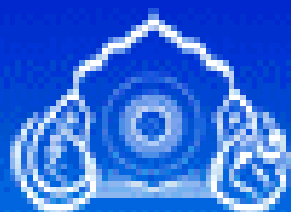
(قرآن کریم). (نهج البلاغه. ابن منظور المصري، ابی الفضل جمال‌الدین، لسان العرب، بیروت، بی‌نا، ۱۴۱۰ هـ. ق. ابی الحسن ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، بیروت، دارالتعارف، بی‌نا. ۱۳۶۸. احسان بخش، صادق، آثارالصادقین، قم، دارالعلم، ۱۳۶۶. احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقاییس، بی‌نا، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ. ق. اصفهانی، غلام‌حسین، فلسفه الحجاب فی وجوب، ترجمه: محمدرضا طهرانی. بی‌نا، بی‌نا. تا. اکبری، محمدرضا، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان، پیام عترت، چاپ سوم، ۱۳۷۶. بدران، عبدالقادر، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت، دارالمیسره، چاپ دوم، ۱۳۹۸ هـ. ق. آلوسی بغدادی، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ هـ. ق. / ۱۹۸۵ م. حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بی‌نا، مکتبه الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۳ هـ. ق. حسینیان، روح‌الله، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، تهران، مرکز نشر و چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶. خطیب عدنانی، الملابس و الزینة فی الاسلام، الانتشار العربی، چاپ اول، ۱۹۹۹ م. دبیرخانه همایش سراسری، فمینیسم امریکایی تا سال ۲۰۰۳، بی‌نا، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، بی‌نا، مکتبه المرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق. زواره‌ای، گلی، هجوم استعمارگران علیه حجاب، مجله پیام زن، شماره ۱۰. سعیدیان، عبدالحسین، دایرة المعارف، تهران، انتشارات محمدعلی علمی، ۱۳۴۹. سیوطی، عبدالرحمان، الدرالمثور، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ. ق. شمس‌الدین، شیخ محمد مهدی، حدود پوشش و نگاه در اسلام، ترجمه: محسن عابدی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲. شبانی، احمد بن محمد، مسند احمد، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ. ق. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، الخصال، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق. علل الشرایع، قم، مکتبه الطباطبایی بالمدرسه الفیضیه. صفاوردی، سوسن، مجله پیام زن، شماره ۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۵۶. طبرسی، ابوعلی فضل ابن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: حبیب روحانی و علی عبدالحمید، چاپ اول، ۱۳۷۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق. عابدینی، احمد، سیری در مطبوعات، نشریه فقه، شماره ۲۲. عباسی، حسن، حجاب در چرخ توسعه، مجله زن شرقی، ویژه نامه حجاب، شماره ۱۸-۱۷. عروسی الحویزی، عبد بن علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، مطبعه العلمیه. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴. عوامی، شیخ فیصل، قیم الزینة و الجمال، مؤسسه ام القرى للتحقیق و النشر، چاپ اول، ۲۰۰۳ م. فرماوی، عبدالحی، زینة المرأة، دار البشیر، چاپ اول، ۱۹۹۹ م. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ م. فیض کاشانی، محمدمحسن، تفسیر صافی، انتشارات دارالمرتضی، ۱۴۱۱، چاپ اول. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی (ت ۳۰۷-ه. ق.)، تفسیر قمی، اعداد: السید الطیب الموسوی الجزایری، مطبعه نجف الاشرف. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، چاپ‌خانه محمدحسن علمی، ۱۳۳۰. کرمی فریدنی، علی، پرتوی از پیام پیامبر، انتشارات حلم، چاپ اول، ۱۳۸۴. کلانتری، علی‌اکبر، فقه و پوشش بانوان، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸. لمبروزو، جینا، روح زن، ترجمه: پری حسام شهرئیس، انتشارات تهران دانش، ۱۳۶۹.

لوشر، ماکس، روان شناسی رنگ‌ها، ترجمه: لایلا-مهردادپی، انتشارات حسام، چاپ اول، ۱۳۷۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ هـ.ق. محمدی آشنانی، علی، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۷۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۷۹. مرتضوی، سیدضیاء، ادب پوشش، مجله پیام زن، شماره ۶. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق. مصباح یزدی، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهل و هشتم، ۱۳۷۶. معین الاسلام، مریم، زنان و برنامه تربیتی اسلام، انتشارات بیت الاحزان، ۱۳۸۴. معین الاسلام و مریم و ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، انتشارات عطر سعادت، چاپ دوم، ۱۳۸۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۴. مؤسسه قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، تهران، ناشر فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، چالش‌ها و کاوش‌های جدید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۱. مهدی زاده، حسین، هم‌گونی جلباب قرآنی و چادر مشکی، مجله پیام زن، شماره ۱۷۷-۱۷۸. مهریزی، مهدی، حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹. نرمان وینسنت بیل، معجزه اراده، ترجمه: وجیه آذرمی، تهران، انتشارات بهشت بینش، چاپ اول، ۱۳۸۲. نشریه پویا، شماره ۱، مهر ۱۳۸۲. هاشمی رکاوندی، مجتبی، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، قم، انتشارات شفق، ۱۳۷۰. هدایت‌خواه، ستار، زیور و عفاف، خراسان، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۷۵. هوارد و دروتی سان، زندگی با رنگ، روانشناسی و درمان با رنگ‌ها، ترجمه: نغمه صفاریان پور، تهران، انتشارات حکایت، چاپ اول، ۱۳۷۸. یوسف بن عبدالله، التذکره الخواص، تهران، مکتبه النینوا الحدیثیه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن

همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد‌ها نرم‌افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم‌افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده‌ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج‌مرضان و چهارراه و فائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹۰۶۲۱-۰۶۰۹۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

